

مجله‌ی علمی پژوهشی «پژوهش‌های برنامه‌ی درسی»
انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران
دوره‌ی نهم، شماره‌ی اول، پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۸
صفحه‌های ۳۲۰-۳۵۵

بررسی برخی مؤلفه‌های برنامه درسی تربیت معنوی در چارچوب سنت‌گرایی سیدحسین نصر

دکتر بابک شمشیری * دکتر سعید رحیمیان ** حسین‌علی تجلی‌اردکانی ***
دانشگاه شیراز

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی برخی مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی تربیت معنوی بر مبنای سنت‌گرایی سیدحسین نصر است. مؤلفه‌های مورد بررسی اصول، روش‌ها و محتواهای تربیت معنوی هستند. این پژوهش از نوع فلسفی است و با روش استنتاجی فرانکنا انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد برخی از اصول تربیت معنوی در منظومه‌ی فلسفی-عرفانی نصر عبارتند از: اصل پیروی از سنت که متضمن عمل به آداب شریعت و طریقت نیز می‌باشد، تبعیت از استاد، شکوفاسازی داشته‌های فطری، حجاب و غفلت‌زدایی، حضور اجتماعی فعال و کثرت طریقت‌ها که متضمن تساهل و تسامح در امر تربیت است. روش‌های تفکر، تأمل معنوی، مراقبه، هرمنوتیک معنوی، مطالعه‌ی سه کتاب وحی، انسان و طبیعت؛ مطالعه‌ی علوم سستی، مشق نظری و عملی هنرهای سستی، عمل به آداب روحانی، عمل‌های صالح مبتنی بر نیکی، تقوا، توبه و مجاهده‌ی درونی از روش‌های تربیتی استنتاج شده‌اند. محتوای تربیت معنوی نیز شامل سنت و مؤلفه‌های آن یعنی وحی‌های الهی، میراث تصوف، علوم سستی، ادبیات سستی، هنرهای سستی، اسطوره و نماد است. رویکرد نصر به تربیت معنوی توجه بیش‌تری به زیبایی‌شناسی، اخلاق، حیطة‌ی عاطفی، عشق و جوهره‌ی دین دارد و متضمن تعلیم و تربیت کثرت‌گراست.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های برنامه درسی، معنویت، تربیت معنوی، سنت‌گرایی، سیدحسین نصر.

* دانشیار تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

** استاد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شیراز Sd.rahimian@gmail.com

*** دانشجوی دکتری تاریخ و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز (نویسنده‌ی مسئول) h.tajali1357@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۶

تاریخ دریافت مقاله نهایی: ۹۷/۹/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۳/۱۹

مقدمه

انسان موجودی چند بعدی و دارای توانمندی‌های شگرفی است. این شگفتی آفرینش زمانی به کام‌یابی همه‌جانبه‌ی خود دست می‌یابد که به همه‌ی جنبه‌های وجودی‌اش توجه شود و زمینه‌ی پرورش امکانات و استعدادهایش فراهم آید و در یک کلمه به‌مثابه‌ی یک کل به او نگریسته شود و آن‌گونه که باید تربیت شود.

در جامعه‌ی امروزی و با توجه به شرایط زمانی و مکانی‌ای که در آن زندگی می‌کنیم و متأثر از مدرنیته و بر مسند نشستن مؤلفه‌های آن از جمله انسان‌مداری، علم‌زدگی، تجربه‌گرایی، استدلال‌گرایی، سکولاریسم، ماده‌گرایی، جزئی‌نگری و سیطره‌ی کمیت است، بشر در حال مثله‌کردن طبیعت برای بهره‌برداری هرچه بیش‌تر از آن و از بین بردن بسیاری از فرست‌ها است. این نگرش بر انسان و بسیاری نهاد‌های بشری از جمله تعلیم و تربیت نیز اثر گذاشته و تربیت‌زوایی از وجود بشر به فراموشی گراییده است و تا حدودی سبب فراهم شدن نابسامانی‌هایی در اندیشه و رفتار انسان شده است که از برخی پیامدهای آن می‌توان به رشد روزافزون اختلال‌های روانی، خودکشی، قتل، تشویش‌ها، فروپاشی نهاد خانواده، تغییر سبک زندگی و ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی اشاره کرد.

به گمان نگارندگان، افزون بر نژادگرایی، جنسیت‌گرایی، طبقه‌گرایی و مؤلفه‌های بیونورولوژیکی و مواردی از این دست، عامل بالقوه‌ی دیگری که باعث پیامدهای پیش‌گفته شده، آن است که بشر امروز گم‌شده‌ای به نام معنویت دارد. انسانی که برای بودن خویشتن و زندگی‌اش معنایی یافته باشد با هر چگونگی‌ای خواهد زیست. همچنین، امروزه تحت تأثیر فرایند جهانی شدن، برخی پیامدهای بحران‌زا در جوامع بشری در حال وقوع است. از جمله‌ی این چالش‌ها و بحران‌ها می‌توان به بحران معنویت اشاره کرد. این بحران تنها شامل حال کشورهای غربی و سکولار نمی‌گردد، بلکه به نظر می‌آید در سایر جوامع از جمله ایران هم با این‌که دارای تربیت دینی است به چشم می‌خورد چراکه معنویت الزاماً برابر با دین نبوده و تربیت دینی می‌تواند معنوی و یا حتی بیگانه با معنویت باشد. بدین معنا که هر نوع تربیت دینی لزوماً معنوی نیست. از این‌رو، در ایران نیز پرداختن به موضوع معنویت و مؤلفه‌ها و پیامدهای آن در تربیت ضروری است. نصر که از منتقدان مدرنیته است و نیمی از عمر خود را در غرب و دنیای مدرن گذرانده است از این بحران‌ها و عواقب آن برای بشریت به خوبی آگاه است و راه حل برخی از مسئله‌های انسان متجدد را در معنویت‌گروی

می‌داند. از نظر او، در زمانه‌ی کنونی باید بر جایگاه و اهمیت معنویت اصیل که سر و کارش با بعد باطنی دین است انگشت بگذاریم. او می‌نویسد پاره‌ای مسئله‌هاست که پاسخ آن‌ها را تنها در باطنی‌گری می‌توان یافت و اگر دین همان بعد ظاهریش باشد و صورت قشری به خود بگیرد - یعنی جوهره یا لب آن را نادیده بگیریم - در این صورت مسئله‌های چندی برای دین‌داران بی‌پاسخ می‌ماند و خطر روی‌گردانی از دین مطرح می‌شود؛ چیزی که در غرب مدرن اتفاق افتاد (نصر، ۱۳۸۹: ۲۵۰). بدین سان اهتمام جدی به معنویت و تربیت معنوی ضرورت هر انسان، جامعه و هر کشوری است.

نهاد آموزش و پرورش از بنیادی‌ترین نهادهای تربیتی هر جامعه‌ای است. بنابراین وظیفه‌ی این نهاد است که توجه جدی به امر تربیت معنوی داشته باشد، اما پیش از آن‌که در عمل به این امر مهم بپردازد نیازمند برنامه یا برنامه‌های تربیت معنوی است. تدوین و شکل‌گیری این برنامه‌ها، پژوهش‌هایی را می‌طلبد تا از برخی سطحی‌نگری‌ها، ناکارآمدی‌ها و ناکامی‌ها در فرایند عمل‌پرهیز گردد.

با در نظر داشتن آنچه پیش‌تر بیان شد و در ادامه در لزوم پرداختن به تربیت معنوی خواهد آمد، نویسندگان اندیشه‌های سیدحسین نصر، چهره‌ی شاخص سنت‌گرایی در جهان امروز را برای معنویت‌پژوهی برگزیدند. نصر فیلسوفی دارای انسجام فکری و مطرح در دنیا است به گونه‌ای که کتابی از کتابخانه‌ی فیلسوفان زنده‌ی دنیا که با جان دیوئی آغاز می‌شود با عنوان فلسفه‌ی سیدحسین نصر^۱ به او اختصاص دارد. او فیلسوفی سنت‌گراست و همچون دیگر سنت‌گرایان به دین، کثرت‌گرایی دینی، امر قدسی، حکمت خالده، نقد تجددگرایی، علوم سنتی، هنرهای سنتی، وحدت متعالی ادیان آسمانی و معنویت که از نظر او لب لباب ادیان و از ارکان اصلی فلسفه‌ی سنت‌گرایی است، اهتمام جدی دارد و دارای ژرف‌کاوی‌های معنوی، دغدغه و تجربه‌ی زیسته‌ی معنویت در سطح نظر و عمل است و به بیان خود او بیش از پنجاه سال تحقیق آکادمیک و مشارکت وجودی در تصوف داشته و همچنین بسیاری از آثار خود صوفیه و نوشته‌های محققانه‌ی بسیاری درباره‌ی تصوف به قلم محققان شرق و غرب را مطالعه و بررسی کرده است (نصر، ۱۳۹۲: ۸۱) که برخی از نتایج این بررسی‌ها را می‌توان در آثار او به نام‌های جلوه‌های معنویت در جهان اسلام^۲ و مبانی معنویت اسلامی^۳ مطالعه کرد. طبق مطالعات نگارندگان، تاکنون دیدگاه

1- Philosophy of Seyyed Hosein Nasr

2- Islamic Spirituality Manifestations

3- Islamic Spirituality Foundations

نصر در باب تربیت معنوی بررسی نشده است. بر این اساس، نگارندگان این مقاله بر آن هستند تا به استنتاج اصول، روش‌ها و محتواهای تربیت معنوی در چارچوب منظومه‌ی فلسفی - عرفانی نصر بپردازند و با پژوهش‌های پیشین و سپسین بستر تدوین برنامه‌ی درسی تربیت معنوی در چارچوب سنت‌گرایی او را فراهم آورند. از این رو، پرسش‌های این پژوهش عبارتند از:

۱. اصول تربیت معنوی در اندیشه‌های نصر کدامند؟
۲. چه روش‌های تربیت معنوی در دیدگاه او قابل استخراج است؟
۳. محتوای تربیت معنوی مبتنی بر منظومه‌ی فلسفی - عرفانی نصر چه می‌تواند باشد؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع فلسفی و در چارچوب پارادایم کیفی با روش استنتاجی یا قیاسی فرانکنا^۱ انجام گرفته است. جوهره‌ی دیدگاه استنتاجی آن است که پیشاپیش یک مکتب فلسفی پذیرفته، آن‌گاه آموزه‌های تربیتی مربوط به آن استخراج می‌شود. از نظر باقری (۱۳۸۹) روش قیاسی فرانکنا در پژوهش‌های هنجارین برای استنتاج اهداف، اصول و روش‌های تعلیم و تربیت به کار می‌رود (۱۰۵). در این روش دو گزاره برای استنتاج دلالت‌های تربیتی لازم است: گزاره‌های هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر (همان، ۱۱۱).

برای استنتاج اصول تربیتی، باید از اهداف تربیتی و نیز گزاره‌های واقع‌نگر فلسفی، الاهیاتی یا علمی، به منزله‌ی مقدمات یک قیاس عملی بهره جست که نتیجه‌ی آن، اصلی از اصول تعلیم و تربیت خواهد بود (همان، ۱۲۴). در راستای استنتاج روش تربیتی به دو شیوه عمل می‌کنیم: در شیوه‌ی نخست، قیاسی عملی فراهم می‌آوریم که دو مقدمه‌ی آن به ترتیب، هدفی از اهداف میانی یا واسطه‌ای تعلم و تربیت و گزاره‌ی (واقع‌نگر) روشی، بیانگر راه و صول به آن هدف باشد. نتیجه‌ی این قیاس، توصیه‌ای عملی یا روش تربیتی خواهد بود (همان، ۱۲۵-۱۲۶). در دیگر شیوه، قیاسی عملی فراهم می‌آوریم که دو مقدمه‌ی آن، به ترتیب، اصلی از اصول تعلیم و تربیت و گزاره‌ای معرفتی یکی از مصداق‌های اصل مذکور باشد و نتیجه‌ی آن، روشی از روش‌های تعلیم و تربیت است (همان، ۱۲۶). در خصوص استنتاج محتوای تربیتی نیز قیاسی عملی با دو مقدمه‌ی اهداف یا اصول بنیادی هنجارین و گزاره‌های واقع‌نگر، فلسفی یا الاهیاتی تشکیل می‌دهیم که نتیجه‌ی آن دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌هایی است که باید پرورش داد (همان، ۱۱۳).

1- W. Frankena

در این پژوهش، روش گردآوری داده‌ها از نوع اسنادی است. از این‌رو، داده‌ها از آثار نصر یعنی کتاب‌ها و مقاله‌های او گردآوری شده است.

مفهوم معنویت، تربیت معنوی و برنامه درسی معنوی

در خصوص مفهوم‌های پیش‌گفته با دیدگاه‌های متفاوتی مواجهیم. به‌طور کلی می‌توان این دیدگاه‌ها را به سه دسته‌ی کلی دینی، غیردینی و فرادینی تقسیم‌بندی کرد. در دیدگاه دینی معنویت وابسته به دین تلقی شده است. البته در ذیل همین دیدگاه دینی نیز به دیدگاه‌های متفاوتی برمی‌خوریم. یک دیدگاه معنویت را بیش‌تر عمل به ظاهر و قشر دین (شریعت) برابر دانسته است که از جمله این دیدگاه می‌توان به نگاه غالب برخی فقها اشاره کرد. دسته‌ی دوم دیدگاه کسانی است که بیش‌تر نگاهی عقلانی به مقوله‌ی معنویت دارند، مانند سروش (۱۳۷۸) که عنصر معرفت و عقلانیت را در دین‌ورزی برجسته می‌کند و ملکیان (۱۳۸۰) که معنویت را تعقل متدینانه می‌داند. دسته‌ی سوم کسانی هستند که معنویت را برابر با جوهره‌ی عرفانی دین تلقی کرده‌اند. اغلب سنت‌گرایان در این دسته قرار می‌گیرند. لازم به ذکر است که علی‌رغم وجود تفاوت میان آن‌ها، در بین دیدگاه عقل‌گرایان و عارف‌مسلکان معاصر، وجوه مشترکی نیز دیده می‌شود، به عنوان مثال سروش و سنت‌گرایان هر دو به کثرت‌گرایی دینی باور دارند. در میان دیدگاه دینی دانشمندان غربی می‌توان به پالمر^۱ (به نقل از کیانی و همکاران، ۱۳۹۴) اشاره کرد.

در دیدگاه غیردینی، بین معنویت و دین، نوعی رابطه‌ی نسبتاً متباین برقرار است. بست^۲ و اریک^۳ (همان) و بیگر^۴ (۲۰۰۸) در این دیدگاه قرار می‌گیرند. و بالاخره به دیدگاهی برمی‌خوریم که نگاهی فرادینی به مقوله‌ی معنویت دارد. بدین معنا که معنویت الزاماً دینی نیست و می‌تواند به دین وابسته نباشد رایت^۵ و راستر^۶ (به نقل از کیانی و همکاران، ۱۳۹۴) در این دیدگاه قرار می‌گیرند.

در امر تربیت معنوی نیز همان جهت‌گیری‌های پیش‌گفته را شاهدیم. از منظر علامه طباطبایی که دیدگاهی دینی است، تربیت معنوی فرایند تجرد نفس، متناسب با فطرت ربوبی انسان است که در پی تقویت میل، تفصیل معرفت و انجام عمل متناسب با آن است (اشعری، باقری و حسینی، ۱۳۹۱: ۸۹). با اندکی مسامحه، دیدگاه میلر^۷ را هم می‌توان دینی قلمداد کرد چراکه به عنصر روح و

1- Palmer
2- Best
3- Erricker
4- Bigger

5- Wright
6- Rossiter
7- Miller

پرورش آن بسیار اهمیت می‌دهد. میلر (۱۳۸۰) بر توجه به معنویت در برنامه‌ی درسی تأکید دارد. منظور او از توجه به معنویت، اهمیت دادن به روح انسانی است. از نظر او روح، یک انرژی عمیق و زنده است که به زندگی، معنا و جهت می‌دهد. انکار روح، انکار یک عنصر ضروری در هستی ماست (۱۲).

در دیدگاه غیر دینی، بیگر از تربیت معنوی سکولار سخن می‌راند. او تربیت معنوی را فهم شخصی در ژرف‌ترین سطح آن می‌داند. بیگر الگوی سکولاری از تربیت معنوی عقلانی توصیف می‌کند که در آن رشد فردی، فرایند مرکزی تربیت معنوی است (۲۰۰۸). بالاخره در دیدگاه فرادینی، رایت^۱ تربیت معنوی انتقادی‌ای را مطرح می‌کند که مبتنی بر ۵ اصل است: چالشی در برابر خمودی فعلی تربیت معنوی؛ حرکتی فراتر از بن‌بست‌های درون‌گرا-برون‌گرا؛ رشد آگاهی انتقادی از ایدئولوژی؛ جذب لیبرالیسم به‌مثابه‌ی اخلاقی موقت؛ و تأسیس پداگوژی فرایندمحور (۲۰۰۰: ۱۰۲). در تقسیم‌بندی دیگری از تربیت معنوی، باغلی (۱۳۹۲) از رویکردهای دینی روشن‌فکری دینی، تجربه‌ی دینی، ایمان‌گرایی و الهیات پوششی به تربیت معنوی نام می‌برد. او از رویکردهای غیردینی پذیرش دین به‌مثابه‌ی فرهنگ، اخلاق‌گرایی، تلفیقی (نظریه فراگیر)، تک بعدی‌نگر (معنویت به‌مثابه‌ی جستجوی معنا در زندگی، معنویت به معنای کامل شدن و دست‌یابی به نگرش یک‌پارچه در هستی و معنویت یعنی نیروی درونی به نام عشق) و هوش معنوی به عنوان استعداد پایه نیز یاد کرده است.

هند^۲ (۲۰۰۳) نیز دسته‌بندی دیگری از تربیت معنوی ارائه کرده است که عبارتند از: ۱. تربیت بر اساس اصول معنوی^۳؛ ۲. تربیت روح انسان^۴؛ ۳. تربیت مبتنی بر فعالیتی معنوی^۵؛ ۴. تربیت بر اساس گرایش معنوی^۶. او از دو رویکرد در تربیت معنوی نام می‌برد یکی رویکرد کار^۷ و دیگری رویکرد میلر. وی مورد دوم را به میلر و سه مورد دیگر را به دیوید کار نسبت داده است (۳۹۷). از نظر کار (۱۹۹۵) تربیت معنوی، بخش متمایزی از تعلیم و تربیت است که در صدد آموزش حقایق و پرورش فضایل معنوی است. بدین ترتیب، دو بخش نظری و عملی را در این امر شاهدیم که از یکدیگر جدا نیستند.

داف^۸ ارتقاء کیفیت ذهن و قلب دانش‌آموز را تعریف مناسب‌تری برای تربیت معنوی می‌داند.

1- Andrew Wright

2- Michael Hand

3- education based on spiritual principles

4- education of the human spirit

5- education in a spiritual activity

6- education in a spiritual disposition

7- Carr

8- Lewis Duff

از این طریق، کل شخصیت دانش‌آموز درگیر می‌شود و بین ابعاد فیزیکی، هیجانی، هوشی و معنوی او توازن ایجاد می‌شود. از نظر وی تمرین‌های معنوی می‌توانند در همه‌ی قلمروهای یادگیری به کار روند (۲۰۰۳).

در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی تربیت معنوی نیز دیدگاه‌ها و پژوهش‌های مختلفی را شاهدیم. میلر نظریه‌پرداز حوزه‌ی برنامه‌ی درسی با تأکید بر معنویت در برنامه‌ی درسی، اصول و روش‌هایی برای روح بخشیدن به همه‌ی عناصر درگیر در آموزش و پرورش مطرح می‌کند. از نظر او، تحولی که آموزش و پرورش روح‌افزا در پی آن است، هماهنگی و توازن میان کیفیات درونی و بیرونی دانش‌آموز است (میلر، ۱۳۸۰: ۱۲).

بیگر (۲۰۰۳) معنویت را به‌مثابه‌ی فرایندی در چارچوب برنامه‌ی درسی می‌پندارد. از نظر او، همه‌ی موضوع‌های برنامه‌ی درسی می‌توانند به جست‌وجوی معنا کمک کند (۱۵). او بر این اندیشه است که در تفکر خود راجع به برنامه‌ی درسی باید تربیت دینی و معنوی را از هم جدا کرد. او معنویت را فرایندی می‌داند که می‌تواند سودمندانه در همه‌ی فرهنگ‌ها و حیطه‌های برنامه‌ی درسی به کار گرفته شود، و وابسته به باور به خدا نیست. (۱۸). از این‌رو، رویکرد او را می‌توان بیش‌تر غیردینی تلقی کرد.

در پژوهش‌های داخلی برنامه‌ی درسی معنوی، قاسم‌پور دهاقانی و نصراصفهان‌ی (۱۳۹۲) بر این نظرند که برنامه‌ی درسی معنوی بر شناخت خود، جهان و ذات مطلق مبتنی است و بر ضمیر ناخودآگاه انسان، اصول عشق به مذهب، عشق به زندگی و طبیعت، تاریخ و زندگی مذهبی و تجربه‌ی دینی تأکید دارد. برنامه‌ی درسی معنوی برنامه‌ای است تلفیقی که هم با علایق و خواسته‌ها و نیازهای فراگیران در ارتباط است و هم مبانی نظری دینی مثل اصول و احکام و آداب دینی را دربر می‌گیرد. نجفی (۱۳۸۶) با تدوین الگوی نظری برنامه‌ی درسی معنوی در تربیت اسلامی با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت اهل بیت(ع) اظهار می‌دارد که در آموزه‌های اسلامی، حقیقت نظام هستی، وجود و ماهیت انسان و ارزش‌ها، تنها با نگرشی معنوی و فرامادی و توحیدگرایی قابل پذیرش و باور است و این شناخت و نگرش، زمینه‌ی اصلی برای تربیت معنوی انسان را فراهم می‌کند. او تنها مسیر مطلوب و مشروع برای تحقق عملی تربیت معنوی را بهره‌مندی از نعمت قرآنی محبت اهل بیت(ع) به شیوه‌ای منطقی، عقلانی و رفتاری می‌داند.

در پژوهشی میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۹۱)، با بررسی تطبیقی رویکردهای تربیت معنوی با توجه به مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی در کشورهای استرالیا، ترکیه و ژاپن دریافته‌اند که مهم‌ترین

ویژگی‌های رویکرد تربیت معنوی در استرالیا تأکید بر تعالیم مسیح در برنامه درسی تربیت معنوی است. در ترکیه دین تنها وسیله‌ی تربیت معنوی نیست و باور بر این است که در صورت داشتن چنین برداشتی از تربیت معنوی ممکن است دین به عنوان یک زندان، رشد شخصی فراگیران را محدود نماید. رویکرد تربیت معنوی ترکیه، رویکردی عقلانی نسبت به تربیت معنوی است، اما کشور ژاپن گرایش تلفیقی به تربیت معنوی دارد؛ یعنی ترکیبی از رویکردهای مطرح در تربیت معنوی. از نظر هدف‌های تربیت معنوی، در بین کشورهای برگزیده تأکید بر تربیت معنوی در سه بعد اجتماعی، دینی و اخلاقی در دو جنبه‌ی گروهی و فردی است. در ارتباط با روش‌های تدریس، تأکید هر سه کشور بر به‌کارگیری روش‌های تدریس فعال است.

پس از معرفی معنویت، تربیت معنوی و برنامه‌ی درسی تربیت معنوی و پیش از استخراج مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی پیش‌گفته، نیازمند تعریفی از تربیت معنوی در اندیشه‌ی نصر و هدف‌های آن هستیم.

مفهوم تربیت معنوی و هدف‌های آن در اندیشه‌ی نصر

از دیدگاه نصر، تربیت معنوی فرایند فعلیت‌بخشی تمامی قابلیت‌های درونی انسان به مثابه‌ی یک کل در راستای فطرت توحیدی‌اش با بسط معرفت، محبت، عمل صالح و کسب فضیلت در جهت فراتر رفتن از لایه‌های وجودی‌اش، برای پرورش روح و شناخت حقیقه‌الحقایق معنا می‌یابد و با عمل کردن بر اساس یکی از ادیان آسمانی دست یافتنی است. از نظر او غایت تربیت معنوی شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن است. هدف‌های میانی شامل معرفت‌پروری که خود شامل معرفت به نفس، هستی و رب است؛ عشق‌پروری که دارای مراتب عشق به خود، به دیگران و طبیعت، حقایق الهی و عشق به خدا است؛ تخلق به اخلاق الهی، تربیت زیبایی‌شناختی که خود دربر دارنده‌ی دو هدف تربیت اخلاقی با دو هدف جزئی‌زدایش رذایل و آراسته شدن به فضایل و تربیت هنری است، تربیت نفس و تربیت بدن است (شمشیری و همکاران، بی تا).

اصول تربیت معنوی

مراد از اصول تربیتی، دستورالعمل‌های کلی است که قاعده‌هایی برای فراهم آوردن دگرگونی‌های مطلوب در افراد آدمی به دست می‌دهند (باقری، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

۱- اصل پیروی از سنت

هدف اصلی تربیت معنوی شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن است. سنت هم ثابت

است و هم دارای اتصالی سرزنده که هم شناخت حقیقه‌الحقایق و هم وسیله‌ای برای فعلیت‌یابی و متحقق شدن به این شناخت را در مقاطع زمانی و مکانی مختلف در خود دارد (نصر، ۱۳۸۹: ۱۱۶). بنابراین فرد باید با تبعیت از سنت به هدف پیش‌گفته نائل آید.

سنت‌گرایان به مجموعه "حقایق همه‌جایی و همیشگی" سنت می‌گویند (ملکیان، ۱۳۹۰: ۳۸۲). به باور نصر، قوای نهادینه شده در وجود انسان (خرد، احساس و اراده) زمانی که توسط سنت هدایت شوند و از قدرت نور و لطفی که فیضان وحی است، لبریز گردند، همانند جسم شروع به نشان دادن ابعاد خداگونه‌ی خویش می‌کنند. در حالت متعادل، هدف این سه نیرو یعنی خرد، احساس و اراده خداوند است (نصر، ۱۳۸۰: ۱۴۹). به باور او، از طریق سنت می‌توان به معرفت قدسی دست یافت. متحقق شدن به معرفت قدسی، همیشه با امکاناتی که سنت در اختیار می‌نهد، گره خورده است (نصر، ۱۳۸۵: ۶۰۲). بدین سان، سنت و سهیم شدن در آن اصلی تربیتی برای نیل به هدف‌های تربیت معنوی است.

این اصل تربیتی متضمن عمل به دستورهای شریعت و طریقت، دو ساحت دین، نیز هست چرا که دین قلب سنت است. بدین سان، سالک طریق حق را گزیری نیست جز آن‌که از آن‌ها پیروی کند و به دستورها و احکام آن عمل نماید.

از دیدگاه نصر، شریعت خود شبکه‌ی گسترده‌ای از احکام و مقرراتی است که عالم کثرات را از درون به مبدأ واحدی که در کثرات عالم تجلی کرده، مرتبط می‌سازد (نصر، ۱۳۸۳: ۷۳). در این سیر (معنوی)، شریعت با طریقت همواره همراه است (همان، ۱۱). (نصر، ۱۳۸۷: ۲۲۶). شریعت بدون طریقت شبیه بدن بدون روح است، و طریقت بدون شریعت بی‌بهره از یک نگهبان بیرونی است و نمی‌تواند به حیات خویش ادامه دهد و خود را در این جهان ظاهر سازد (نصر، ۱۳۸۷: ۲۳۵). به طریقت، جز از طریق شریعت نمی‌توان رسید و نفی آشکار طریقت نیز به معنای محدود کردن حقیقت در صورت‌های ظاهری صرف است (همان، ۲۳۶).

۲- اصل پیروی از استاد راه

از هدف‌های تربیت معنوی، معرفت‌افزایی است که با سلوک معنوی حاصل می‌آید. در نگاه نصر، هیچ سلوک معنوی معتبری بدون دستگیری مرشد و راهنما تحقق نمی‌پذیرد و یقیناً تصوف نیز از این قاعده‌ی عام مستثنا نمی‌باشد. (نصر، ۱۳۸۳: ۹۹). بدین سان، متربی باید استاد راه داشته و از او پیروی کند.

استاد معنوی که حضور او برای راهنمایی در سفر پرمخاطره به سوی کمال معنوی در هر حال

ضروری است، شیخ (به معنی استاد)، مرشد (راهنما)، مراد (آن کس که مورد جستجو است) و در زبان فارسی پیر نامیده می‌شود (نصر، ۱۳۸۷: ۲۴۶). در باب لزوم وجود استاد نصر بر این نظر است که فقط قدرت شیخ می‌تواند آدمی را از شر نفس اماره نجات بخشد تا او واقعیت هستی را به درستی دریافته و به دریای هستی کل بپیوندد (همان، ۱۰۱). او همچنین ابراز می‌دارد برای آن که کشف کنیم واقعاً که هستیم مستلزم مرگ "خودها"ی ما و رخنه کردن در دیوارهای نفس برای راه یافتن به قلب خویش است، و بدون پیر طریقت امکان‌پذیر نیست (نصر، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

این اصل تربیتی متضمن ولایت/ ولایت نیز هست؛ چراکه پیر باید ارتباطی آشکار و منسجم با سلسله‌ی ولایت داشته باشد (همان، ۱۰۵). در باب لزوم ولایت (ولایت) برای استاد راه نصر بر این باور است که کسی که می‌خواهد قدم در طریق گلشن حقیقت بگذارد، باید مرشد صاحب صلاحیت بیابد که این نیرو (ی ولایت) در او حضور دارد (همان، ۲۴۷-۲۴۸). بدین سان، داشتن نیروی ولایت برای استاد راه یک ضرورت است و همین اصل، شاخصی است که عرفان راستین را از شبه‌عرفان‌ها یا عرفان‌ها متمایز می‌کند.

۳- اصل حجاب و غفلت‌زدایی

شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن، از هدف‌های تربیت معنوی است. انواع حجاب‌های ظلمانی و نورانی و غفلت، دیده‌ی قلب انسان را فرو پوشیده‌اند و او را از معرفت و دیدن حقیقت ناتوان نموده است. از این رو، عوامل تربیتی باید به دنبال حجاب‌زدایی و غفلت‌زدایی از چهره‌ی جان فرد باشند.

به بیان نصر و بنا به حدیثی از پیامبر (ص)، هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت هست که ما را از خداوند جدا می‌سازد و عالم متشکل از این حجاب‌ها است (نصر، ۱۳۹۲: ۱۵۹). بدین سان، برای مشاهده‌ی جمال جمیل آن حقیقت ازلی و ابدی چاره‌ای جز برداشتن این غبارها و حجاب‌ها از چهره‌ی جان نیست تا بتوان بار دیگر به آن حقیقتی که در فطرتمان سرشته شده است بنگریم و به او بازگردیم. بنابراین، بازگشت، مشاهده و معرفت به آن حقیقت مستلزم زدودن حجاب‌ها است.

نصر باور دارد که تمام ابنای بشر، به موجب انسان بودن، واجد قوه‌ی عقلانی‌اند، اما در غالب موارد این قوه به حالت بالقوه (است) و در اغلب موارد، حجاب‌های هوا و هوس که نمی‌گذارند به تمام و کمال به وظایف خود عمل کند بر آن سایه انداخته‌اند (نصر، ۱۳۹۳: ۲۸۱). بدین سان برای فعلیت‌یابی قوه‌ی عقلانی و معرفت حقیقه‌الحقایق که کار این قوه است، نیازمند حجاب‌زدایی هستیم.

این اصل متضمن غفلت‌زدایی نیز است زیرا گناه حجاب است و مطابق نظر اسلام، گناه بزرگ انسان در واقع غفلت است و قصد و غایت وحی نیز آن است که به انسان امکان تذکر و یادآوری و ستردن این غفلت را بدهد (نصر، ۱۳۷۳: ۴۵).

۴- اصل پیوند و کنش متقابل معرفت، محبت و عمل صالح

یکی از هدف‌های تربیت معنوی معرفت‌افزایی و دیگری عشق‌پروری است. در تصوف، معرفت و محبت و عمل صالح مکمل یکدیگرند و میان آن‌ها کنش متقابل وجود دارد. بدین ترتیب، فرد باید برای نیل به هدف‌های پیش‌گفته میان معرفت، محبت و عمل صالح پیوند و کنش متقابل برقرار کند.

در تصوف عشق مکمل معرفت و مرتبط با حقیقت معرفت متحقق شده (در صاحب معرفت) است. در هر تعلیم صوفیانه کامل عشق و علم هر دو حضور دارد، کما این‌که عنصر عمل نیز در چنین تعلیمی حاضر است (نصر، ۱۳۹۲: ۱۹۲-۱۹۱). از نظر نصر، طریق تصوف میان عشق و علم جمع می‌کند (همان، ۱۹۲).

در تأیید اصل پیش‌گفته نصر چنین می‌نویسد که طریقه‌های علم، عشق و زیبایی مستلزم عمل صالح و نیکی است که بدون آن آدمی نه علم الهی را به طور کامل درک می‌کند و نه قادر است به خداوند عشق بورزد و جمال حضرتش را با تمام وجود نظاره کند. در نتیجه بدون نیکی و فضیلت نمی‌توان به صلح و سلام دست یافت که در ژرف‌ترین سطح از زیبایی جدایی‌ناپذیر است (همان، ۲۰۶). ما موجوداتی هستیم برخوردار از آگاهی با دو قوه عقل و اراده. به علاوه اراده‌ای داریم که مختار است. میان وجود ما و علم داشتن، عشق ورزیدن و عمل کردن مان، کنش متقابل برقرار است. روان ما علم دارد، عشق می‌ورزد و عمل می‌کند- عمل کردن اولاً و بالذات از طریق بدن است. به علاوه علم داشتن و عشق ورزیدن هر دو بر اعمال ما اثر می‌نهند و اغلب از طریق اعمال مان ظهور و بروز پیدا می‌کنند. افزون بر این، هر سه‌ی آن‌ها بر نوع و نحوه‌ی وجود ما اثر می‌نهند (همان، ۲۱۴).

۵- اصل شکوفاسازی داشته‌های فطری

هدف اصلی تربیت معنوی شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن است. انسان واجد فطرتی با بینش، نگرش و گرایش‌های توحیدی است. بنابراین، فرد برای دستیابی به آن هدف باید به شکوفاسازی داشته‌های فطری‌اش همت گمارد.

تصدیق توحید در نفس طبیعت یا فطرت انسان نهفته است و اسلام دینی است که به همان اعماق فطرت انسان خطاب دارد، همان جان و جوهر طبیعت انسان که گرچه غفلت و خودپرستی پوست بر پوست آن را پوشانده است، اما در قلب هر انسانی زنده و حاضر است (نصر، ۱۳۷۳: ۴۵).

در درون انسان عادی کششی فطری به سوی ذات سرمدی که در حقیقت همان ذات مطلق و ذات قدسی بماهو ذات قدسی است، وجود دارد (نصر، ۱۳۸۵: ۴۳۶). بدین سان، شکوفا ساختن فطرت ذاتی انسان که دارای بینش، نگرش و گرایش‌های توحیدی است با کوشش در جهت بازگشت به آن‌ها ضرورتی برای معرفت به هستی مطلق است.

۶- اصل تفاوت های فردی

در فرایند تربیت معنوی، فرد باید به معنویت، شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن نائل شود که امری ذومراتب است. افراد دارای قابلیت‌ها، همت، اراده، پشتکار و صلاحیت‌های متفاوتی‌اند. بنابراین، عوامل تربیتی باید به تفاوت‌های فردی در دست‌یابی به هدف پیش‌گفته توجه داشته باشند.

هر انسانی منحصر به فرد است و دارای قابلیت‌ها، توانمندی‌ها، امکانات، تمایل‌ها، انگیزه‌ها و ... متفاوت. دو فرد را نمی‌توان یافت که کاملاً در موارد پیش‌گفته یکسان باشند. در سلوک عرفانی نیز این‌گونه است. نصر در این باب بر این نظر است که در امور معنوی و سلوک در طریقت نیز استعداد انسان‌ها متفاوت است، گو این‌که در عین حال خداوند آن‌ها را مختار آفریده است و می‌توانند با استفاده از استعدادهای خدادادی خویش و به‌کار بستن اراده شان در این وادی سلوک کنند و به حسب این دو عامل مرتبه معنوی آن‌ها متفاوت می‌شود (نصر، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۲). نصر همچنین بر این باور است که معدودی از افراد می‌خواهند گامی فراتر بنهند و سرشت نهایی حقیقت وجودی خویش را کشف کنند و خودشناسی را تا مرحله نهایی‌اش ادامه دهند (همان، ۹۳). در تأیید این اصل باز هم نصر تأکید دارد که ساحت باطنی، شعاعی است که وسیله‌ای برای رفتن از محیط به مرکز فراهم می‌کند، ولی برای همگان قابل وصول نیست؛ زیرا همه کس در زندگی این جهانی خواهان و یا واجد صلاحیت لازم برای طی طریق به سوی مرکز نیست (نصر، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

۷- اصل ثبات قدم

هدف اصلی تربیت معنوی شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن است که با سلوک معنوی حاصل می‌آید. از مقتضیات سلوک معنوی فریاندی و تدریجی بودن آن و وجود حالت‌های قبض و بسط است که گاهی متربی را از ادامه‌ی راه باز می‌دارند. از این‌رو، سالک باید در طی طریق ثبات قدم داشته باشد.

سالکی که تازه قدم در راه گذاشته است ممکن است شتاب‌زده عمل کند و پس از مدتی به دلیل نیافتن نشانه‌های سلوک و هدفی که به دنبال آن است خسته و ملول گردد و دچار سستی شود. گاهی هم بارقه‌هایی از کشف و شهود، رویاهای صادقه و حالی که گذرا است نصیب او می‌شود و به آن‌ها دل‌خوش می‌شود و به رکود و ایستایی می‌رسد. بدین سان، داشتن ثبات قدم شرطی ضروری است. نصر در این باب بر این نظر است که ویژگی گذرا بودن حال، حاکی از ضرورت وجود ثبات قدم و کوشش مداوم است تا این‌که آدمی به مقام قرب مدام نائل گردد (نصر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

۸- اصل حضور اجتماعی فعال

از هدف‌های تربیت معنوی، معرفت‌افزایی نسبت به خویشتن، هستی و خداوند و عشق‌پروری با مراتب عشق به خود، هستی، حقایق مقدس و خداوند است. نیل به این اهداف مستلزم حضور اجتماعی فعال است. بدین سان، متربی باید حضور اجتماعی فعال داشته باشد و از رهبانیت پرهیزد. برخی به غلط بر این گمانند که معنوی‌زیستن و قدم در راه سلوک گذاشتن به معنای رهبانیت، انزواطلبی و گوشه‌گیری است. نصر در رد این گمان بر این باور است که برای داشتن زندگی عرفانی لازم نیست که آدمی از زندگی اجتماعی و حتی خانوادگی فاصله بگیرد (نصر، ۱۳۹۲: ۳۳). ویژگی تصوف (یا طریقه باطن‌گرایی اسلام) این است که می‌تواند در هر جا و در هر مرحله از زندگی اجرا شود. تصوف مبتنی بر اجتناب ظاهری و کناره‌گیری از دنیا نیست، بلکه بر کناره‌گیری درونی و باطنی فرد از دنیا بنیاد نهاده شده است. ... این کناره‌گیری درونی می‌تواند با فعالیت‌های بیرونی و ظاهری شدید قابل جمع باشد. تصوف، "زندگی فعال" و باطنی را با ذات وحدت‌بخش خود اسلام، هماهنگ و قرین می‌گرداند (نصر، ۱۳۸۳: ۲۶۴-۲۶۳).

در نگاه او از آن‌جا که صوفیان به احکام شرعی و اجتماعی اسلام پای‌بند هستند، تصوف نه در فضای رهبانی خارج از جامعه، بلکه در متن حیات فعال اجتماعی امکان متابعت دارد و از نظرگاه

عرفان اسلامی، تمایلات رهبانی با حیات روزمره در متن جامعه انسانی ممزوج است (نصر، ۱۳۸۳: ۶۵). همچنین، تصوف با روش ادغام حیات فعال با حیات متأملانه، آدمی را باطناً مستعد تأثیرات غیبی و هدایتی الهی می‌کند تا این‌که در همان حال که در عالم خارج بیش‌ترین فعالیت را دارد، به جای این‌که همانند انسان غیر متدین زندانی آن شود، بر حسب سرشت معنوی‌اش آن را شکل دهد (همان، ۶۶).

۹- اصل کثرت طریقت‌ها

هدف اصلی تربیت معنوی شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن است. بنا به حدیثی از پیامبر اسلام (ص) راه‌های رسیدن به خدا به تعداد انفاس خلایق است (آملی، ۱۳۶۸: ۹۵). بنابراین، همه‌ی طریقت‌ها رهنمون به حقیقت‌اند و فرد باید یکی از طریقت‌ها را برگزیند و با عمل به دستوراتش به آن هدف نائل آید. نصر به کثرت‌گرایی دینی باور دارد. طریقت نیز یکی از سه ساحت دین یعنی شریعت، طریقت و حقیقت است. در نتیجه او به کثرت طریقت‌ها نیز باور دارد. او در این باب می‌نویسد که انواع مختلفی از راه‌های معنوی موجود است که برخی بر ایثار و ازخودگذشتگی مبتنی است، برخی بر ایمان و اخلاص، برخی بر محبت و برخی بر معرفت. از آن‌جا که اسلام دین وحدت است، ساحت باطنی‌اش که تصوف باشد، این امکان‌های مختلف را در درون خویش تلفیق می‌کند. ولی همچنین از آن‌جا که اسلام نهایتاً بر علم به یگانگی خداوند مبتنی است، راه معرفت برای طریقت محوریت دارد، هر چند، همان‌طور که قبلاً گذشت، این معرفت همیشه با محبت، ایمان و عمل صالح همراه است (نصر ۱۳۹۲: ۱۳۲).

این اصل متضمن تساهل و تسامح نیز هست. نگاه نصر بر این است که در مورد شریعت، سنت بر خلاف بیش‌تر "بنیادگرایان" کنونی، همواره بر ایمان، تعلق خاطر درونی نسبت به احکام شرعی و حال و هوای سنتی **قضاوت سهل‌گیرانه**، که بر کاستی‌ها و نقایص جامعه‌ی انسانی مبتنی است تأکید دارد، نه صرف اعمال فشار بیرونی که اساسش بر ترس از قدرتی انسانی غیر از خدا استوار است (نصر، ۱۳۸۶: ۳۷). بدین‌سان این اصل موجبات ایجاد صلح و آرامش و پرهیز از رعب، خشونت و اعمال فشار را فراهم می‌کند و زمینه‌ساز تحقق صلح و بردباری میان پیروان طریقت‌های گوناگون موجود در سنت‌ها را فراهم می‌کند و آن‌ها را از افراط‌گرایی، بنیادگرایی، انحصارگرایی و تحجر می‌رهاند.

اصول تربیت معنوی استنتاج شده در جدول شماره ۱ زیر ترسیم شده است.

جدول ۱- اصول تربیت معنوی

هدف تربیتی	اصل تربیتی
شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن	پیروی از سنت، حجاب و غفلت‌زدایی، شکوفاسازی داشته‌های فطری، تفاوت‌های فردی، کثرت طریقت‌ها، ثبات قدم
معرفت‌افزایی	پیروی از استاد، پیوند و کنش متقابل معرفت، محبت و عمل صالح، حضور اجتماعی فعال
عشق‌پروری	پیوند و کنش متقابل معرفت، محبت و عمل صالح، حضور اجتماعی فعال

روش‌های تربیتی

منظور از روش‌های تربیتی دستورالعمل‌ها یا شیوه‌های جزئی‌تر (از اصول) هستند که برای ایجاد تغییرات مطلوب (در یادگیرنده) به کار گرفته می‌شوند (باقری، ۱۳۸۶: ۹۰).

۱- تفکر

از هدف‌های تربیت معنوی معرفت‌افزایی است. تفکر، تأمل در جنبه‌ای از حقیقت الهی و یا تجلیات آن است (نصر، ۱۳۹۲: ۲۶۰) که منجر به کسب معرفت می‌گردد. از این‌رو، متربی باید به تفکر بپردازد.

واژه‌های "فکر" و "اندیشه" هر دو با مراقبه^۱ و تأمل معنوی^۲ (مشاهده‌ی معنوی) ارتباط دارند نه با فعالیت ذهنی صرفاً بشری و لذا غیر الهی که واژه‌ی "thought" معمولاً تداعی‌کننده‌ی آن است (نصر، ۱۳۸۶: ۱۷۰). به احتمال مراقبه ژرف‌تر از تفکر و تأمل دقیق‌تر از آن است. بدین سان آن‌ها را روش‌هایی جداگانه به‌شمار آورده‌ایم. در اندیشه‌ی نصر، عمل مبنایی ذکر که یکی از روش‌های عملی در تصوف است، با فکر یا مراقبه همراه است (نصر، ۱۳۹۲: ۲۶۰).

۲- تأمل معنوی

متربی در سلوک معنوی باید به شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن نائل آید. تأمل معنوی راهی برای نیل به این هدف است. بنابراین، متربی باید به تأمل معنوی بپردازد. تأمل و شهود عالم به عنوان تجلی لاهوتی، تصدیق این است که تمام تجلیات "واحد" به "واحد" باز می‌گردد، تمام جدایی‌ها وحدت‌اند، تمام غیریت‌ها یکی‌اند، تمام ملأها، خلأ‌اند. چنین عملی یعنی خدا را در همه جا دیدن (نصر، ۱۳۸۰: ۱۸۱). به بیان نصر، "تصوف" از طریق تأمل دقیق و تعمق، از ظواهر (اسماء) فراتر رفته و به معنی (مسمای باطنی) توجه می‌کند (نصر، ۱۳۸۳: ۱۹۰). در حکمت خالده نیز از میان راه‌های مختلف متحقق شدن به حقایق معنوی، تأمل در نام الوهیت و

1- meditation

2- contemplation

ذکر آن نام، طریق اولیه و قابل حصول‌ترین وسیله برای تحصیل معرفت قدسی (از هدف‌های تربیت معنوی) است (نصر، ۱۳۸۵: ۶۱۰).

۳- تذکار^۱

از اصول تربیت معنوی شکوفا سازی داشته‌های فطری است. تذکار سبب به یاد آوردن حقایق نهفته‌ی ناخودآگاه در ضمیر فرد می‌شود. از این رو فرد در عمل به این اصل باید روش تذکار را به کار گیرد.

نصر، حقیقت را در فطرت انسان نهادینه می‌داند و انسان لوح نانو شته‌ای نیست که به کمک حواس و با مشاهده و تجربه کسب معرفت می‌کند. از نظر او معرفت امری پیشینی است نه پسینی. روش تذکار که ریشه‌ی تاریخی آن به نظریه‌ها و روش‌های سقراط و افلاطون برمی‌گردد به دنبال شکوفا ساختن حقیقت نهادینه در سرشت انسان است. گوتک در این باره بر این نظر است که معرفت شناسی یا نظریه‌ی شناخت افلاطون بر نظریه‌ی "تذکار" یا یادآوری مبتنی است. به موجب این نظریه انسان‌ها حقایقی را که در ضمائرشان به صورت نهفته و ناخودآگاه وجود دارد، به یاد می‌آورند. نظریه‌ی تذکار متضمن این نکته است که هر انسانی صاحب نفسی است که قبل از تولد در جهانی معنوی متشکل از ایده‌های کامل یا مُثُل، می‌زیسته است (گوتک، ۱۳۸۶: ۲۷).

۴- درون‌نگری

از اهداف تربیت معنوی معرفت به خویش‌ستن است. درون‌نگری، خودآگاهی و به دنبال آن خودشناسی را سبب می‌شود. بدین‌سان، متربی باید به درون‌نگری پردازد. اصل و اساس معنویت به درونی بودن آن است؛ این ساحت درونی است که انسان را از درون به حقیقت الهی پیوند می‌زند و همه‌ی حقایق بیرونی همچون عشق به دیگران و سرودن شعر یا اطعام فقیران برخاسته از تحقق درونی معنویت است (نصر، ۱۳۸۹ الف: ۲۴۴). تحقق حقایق معنوی در درون انسان که با بعد باطنی دین یعنی طریقت امکان‌پذیر است نیازمند درون‌نگری است تا انسان به آنچه در ورای ظواهر است فهم یابد. نصر بر این باور است که انسان باید برای کشف حقیقت خود، در خود بیندیشد تا بفهمد که این حالات در بردارنده‌ی هویت کامل او است (نصر، ۱۳۹۲ الف: ۱۱۲).

1- reminiscence

۵-مراقبه^۱

یکی از هدف‌های سلوک معنوی، تربیت اخلاقی است. مراقبت نزد اهل سلوک، محافظت قلب از کارهای پست است (سجادی، ۱۳۸۹: ۷۱۰). بدین ترتیب، متربی باید به مراقبه بپردازد تا از رذایل پاک شده و به فضایل آراسته گردد. این روش با توجه به مطالب زیر ناظر به هدف‌های متحقق شدن به حقیقه‌الحقایق، معرفت‌افزایی، عشق‌پروری و اصل پیوند و کنش متقابل میان معرفت، محبت و عمل صالح نیز است. از نظر شیخ احمد العلاوی (شیخ طریقت شاذلیه) منظور از مراقبه متحقق شدن ذات انسان در ذات حق است (لینگز، ۱۳۷۸: ۱۴). از این رو، یک روش به شمار می‌آید.

مراقبه (اندیشه)، و در اصطلاح، فکر و اندیشه کردن در آیات خدا است که از او معرفت زاید و فکر کردن در نعم خدا است که از او محبت زاید و فکر کردن در وعده‌های خدا است که از او رغبت زاید در طاعت، و فکر در وعید و عقاب خدا است، که از آن ترس از مخالفت زاید (طبقات، ص ۲۸؛ به نقل از نصر، ۱۳۸۳: ۸۵). بدین‌سان با روش تفکر پیوند تنگاتنگی دارد.

هر طریقه‌ی صوفیانه روش‌های خاص برای مراقبه را آموزش می‌دهند تا سالکان طریقی به کمک آن بتوانند نه فقط با زبان که با ذهن و قوای خیالی‌شان و در مرحله‌ای پیشرفته‌تر با قلب و حتی با بدن‌شان، در ذکر متمرکز شوند و در ذکر باقی بمانند. عمل مبنایی ذکر در تصوف، با فکر یا مراقبه همراه است (نصر، ۱۳۹۲: ۲۶۰).

۶-هرمنوتیک معنوی

تربیت معنوی مستلزم اصل حجاب و غفلت‌زدایی است. هرمنوتیک معنوی باعث کنار زدن حجاب‌های ظاهری، باطنی و غفلت‌ها که نوعی حجابند می‌گردد. بدین‌سان، فرد باید با روش هرمنوتیک معنوی به اصل پیش‌گفته عمل نماید.

این روش را تأویل معنوی و کشف‌المحجوب هم خوانده‌اند. تأویل معنوی، وسیله‌ای است که قوه‌ی عاقله تقدس یافته به واسطه‌ی وحی، به کمک آن قادر است به لب وحی راه یافته و حقیقت اصیلی را که کنه و گوهر خود قوه‌ی عاقله است، مکشوف سازد (نصر، ۱۳۸۵: ۳۰۲).

در باور نصر، هدف حیات معنوی این است که بتواند حجاب ظاهر را کنار بزند تا باطن را کشف کند و در نتیجه ظاهر را در پرتو باطن بشناسد. تحقق معنوی به ما این امکان می‌دهد تا

1- meditation

آنچه را در ساحت ظاهر نادیدنی است، در متن عالم شهادت مشاهده کنیم. سفر از صورت ظاهر به معنای باطن یعنی چیزی را که در اسلام تأویل یا هرمنوتیک معنوی‌اش نامیده‌اند، امکان‌پذیر می‌سازد به قسمی که خود حجاب شفاف می‌شود، واقعیت را در درون خویش و در ورای خویش عیان می‌سازد. ولی چنین چیزی فقط به شرطی امکان‌پذیر است که بتوان به مرکز وجود خویش راه یافت و حجاب‌های درون را کنار زد، اهل باطن شد و بصیرت باطنی پیدا کرد. وارد در گلشن حقیقت نمی‌تواند شد مگر کسی که تعلیم کشف حجاب (کشف المحجوب) دیده و آموخته باشد که از ورای حجاب چیزی ببیند که حجاب آن را عیان و در عین حال نماند (نصر، ۱۳۹۲: ۱۶۲)

۷- مطالعه کتاب‌های وحی

از هدف‌های تربیت معنوی، معرفت‌افزایی نسبت به نفس، هستی و خداوند است. کتاب‌های وحی (انسان، طبیعت و وحی الهی) متضمن معارفی در باب این هدف است. بنابراین، فرد باید کتاب‌های وحی را مطالعه کند.

نصر از سه کتاب وحی یعنی وحی الهی، کتاب طبیعت و کتاب انسان نام می‌برد که در خصوص هر کدام به ترتیب مطالبی مطرح می‌گردد. به باور نصر، انسان برای و صول خود مطلق باید از راه بسط آگاهی‌اش به کانون آگاهی راه یابد. اما "خودآگاهی تنها در صورتی می‌تواند به خود مطلق برسد که از پیام عقل الهی که چیزی نیست مگر وحی به معنای کلی کلمه، مدد جوید" (نصر، ۱۳۹۳: ۴۸). بنابراین تنها وحی است که می‌تواند به آگاهی از خود امکان دهد که در جهت نفس مطلق، حرکت کند.

همچنین نصر بر این باور است که اگرچه عقل کلی در وجود آدمی می‌درخشد، به قدری آدمی از طبیعت اصلی‌اش منحرف شده که قادر نیست از این موهبت الهی که در او نهاده شده، بهره‌ی کامل بگیرد. او محتاج وحی است؛ وحی تنها چیزی است که قادر است عقل کلی را در آدمی تحقق بخشد و این امکان را فراهم نماید تا به طور شایسته عمل کند (نصر، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

نصر راجع به اهمیت معنوی طبیعت و وحی بودن آن چنین می‌نویسد که جهان نقش مثبتی در برخی جنبه‌های معنویت ایفا می‌کند چون دقیقاً جهان کتابی است که دربر دارنده‌ی وحی اصیل در عالی‌ترین محتوا است و عناصر ذاتی و تشکیل‌دهنده‌ی انسان در آئینه‌ی جهان منعکس می‌شود و موجودی است که پیوند باطنی عمیقی با محیط کیهانی پیرامون خود دارد، معرفت قدسی باید شامل معرفت عالم باشد که یک معرفت تجربی سطحی از جهان و احساس زیبایی‌های

طبیعت نیست (نصر، ۱۳۹۲ الف: ۲۶۹).

او راجع به خوانش کتاب طبیعت چنین می‌نویسد که صوفیه به مشاهده‌ی طبیعت می‌پردازند، در صورت‌های آن، حیات آن و ضرب‌آهنگ‌های آن، حقایق روحانی را نظاره می‌کنند که نه فقط در حد ذات خود بلکه برای ما نیز که پویانده‌ی راه کمال معنوی هستیم، بیش‌ترین اهمیت را دارند. در نظر حکیم هر درختی جلوه درخت بهشتی است، هر کوهی رمز تعالی است، آب هر نهر جاری رمز رحمت الهی است، باد نشانه‌ی روح الهی است. عقابی که در بالای سرمان به پرواز در می‌آید رمز روح بشری است که از طریق اعمال معنوی به کمال رسیده و بر گرد عرش الهی به پرواز درآمده است و ماهی که در دریا شنا می‌کند رمز نفس است که خویش را در بحر عدم تناهی غرقه می‌سازد. (نصر، ۱۳۹۲ ب: ۱۵۸).

بالاخره به کتاب انسان می‌رسیم. از انسان به سان عالم صغیر یاد کرده‌اند که بازتاباننده‌ی اسماء و صفات آفریدگار خود است. از این رو خوانش کتاب انسان درهایی برای ورود به گلشن معرفت فراهم می‌کند. از نگاه نصر، انسان خود موسیقی پروردگار است و اسلام، به عنوان سنتی جامع، می‌بایست این واقعیت را نیز دربر گیرد و این امکان را برای کسانی که اهلیت دارند به موسیقی چنگ هستی خویش، که خداوند نوازنده‌ی آن است، گوش فرا دهند، فراهم کند (نصر، ۱۳۸۹ ب: ۱۷۰).

۸- مطالعه علوم سنتی

از اصول تربیت معنوی، پیروی از سنت است. علوم سنتی از مؤلفه‌های سنت به شمار می‌آید. بدین ترتیب در عمل به این اصل، فرد باید به مطالعه‌ی علوم سنتی بپردازد تا به حقایق ازلی دست یابد. این روش ناظر به هدف معرفت‌افزایی نیز است.

علوم سنتی بر تغییر ناپذیری، دوام و معرفت به نظام اصیل و مابعدالطبیعی اشاره دارند (نصر، ۱۳۹۳: ۱۶۸). این دانش‌های برین نزد نصر علمی مقدس‌اند (دین پرست، ۱۳۸۳: ۱۶۸). بیان نصر از علم مقدس، همان معرفت روحانی است که مقصود از آن هدایت انسان به معرفت باطنی است. علمی است که وصول به آن بدون رسوخ طالب آن به کنه وجود خویشتن ناممکن است. دانش‌های سنتی که نصر از آن‌ها نام می‌برد عبارتند از: جبر، ریاضیات سنتی، علوم چهارگانه فیثاغوری (موسیقی، حساب، هندسه و اخترشناسی)، کیمیاگری و طب سنتی (همان، ۴۶). افزون بر علوم پیش‌گفته نصر بر مابعدالطبیعه (حکمت جاویدان، علم قدسی، متافیزیک)، کیهان‌شناسی سنتی و روان‌شناسی سنتی (علم‌النفس) نیز تأکید دارد.

در نگاه او، والاترین فایده‌ی علوم سستی همیشه این بوده است که به عقل و ابزارهای ادراک کمک کنند تا جهان و در حقیقت تمام مراتب وجود را، نه به‌عنوان واقعیت یا اعیان که به عنوان نمادها یا آئینه‌هایی ببیند که سیمای معشوق کل را که همه چیز از او نشأت گرفته و همه چیز به او باز می‌گردد، باز می‌تاباند (نصر، ۱۳۹۳: ۱۹۸). به باور او، هرچند آن‌ها (علوم سستی) متعلق به عالم کیهانی هستند، می‌توانند به یاری روح الهی، نمادهایی گردند که از واقعیت معنوی و رای صور پرده برگیرند، نه آن که حجاب‌شان باشند، و به آدمی کمک کنند که با عنایت خداوند، به مقام و مرتبه‌ی "مشاهده‌ی خداوند در همه جا" نائل آید (همان).

۹- مطالعه اسطوره‌ها و نمادها

در نیل به هدف‌های تربیت معنوی فرد باید از سنت تبعیت کند. اسطوره‌ها و نمادها از مؤلفه‌های سنت هستند. بنابراین، فرد باید مطالعه‌ی اسطوره‌ها و نمادها را در دستور کار خویش قرار دهد.

مطالعه‌ی اسطوره‌ها و رمزها در دوران جدید، یقیناً حاکی از جست‌وجوی انسان معاصر برای یافتن معنا و امر قدسی است، ولی این جست‌وجو جز با کمک خود سنت و از طریق توسل به خود آن، به هدف خویش نائل نمی‌تواند شد (نصر، ۱۳۸۵: ۲۳۷). نصر بر این باور است که مطالعه‌ی اسطوره و رمز نمی‌تواند به معرفت به امر قدسی منتهی شود، ولی وسیله‌ای برای این معرفت است، مشروط به این که نور و لطف سنت، ذهنی را که به مطالعه‌ی اسطوره‌ها و رمزها می‌پردازد، از قبل متحول ساخته باشد (همان).

۱۰- مشق نظری و عملی هنرهای سستی

تربیت زیبایی‌شناختی، از هدف‌های تربیت معنوی است. مشق نظری و عملی هنرهای سستی وسیله‌ی نیل به این هدف است. از این‌رو، متربی باید به مشق نظری و عملی هنرهای سستی بپردازد. هنر سستی بازتاب الگوی افلاطونی مثال یا نمونه‌ی اصلی به معنای یونانی کلمه در عالم صورت‌های مادی است (نصر، ۱۳۸۹ الف: ۳۳۶). از نظر نصر، هنر مقدس نمی‌تواند ما را دچار تحول کند مگر آن‌که در عالم معنوی‌ای که آن را خلق کرده است، مشارکت جویم (همان، ۳۵۲). و این به معنای مشق نظری و عملی آن هنرهاست.

هنر سستی هم بر اساس لطف و معرفت یا آن معرفت قدسی بنا نهاده شده که معرفت است و از یک ماهیت قدسی نشأت گرفته و هم مجرا و طریقی است برای جریان یافتن آن معرفت (نصر،

۱۳۸۰: ۲۰۹). هنر واقعاً مقدس، اعم از معماری، نقاشی، شعر یا موسیقی، حجاب وجود زمانی را کنار می‌زند و نظاره‌گر را با واقعیتی مواجه می‌سازد که از آن سوی سواحل وجود، یعنی از نظام سرمدی، می‌درخشد (نصر، ۱۳۹۳: ۷۶). نصر بر این باور است که هنر مقدس، چه با سنگ چه مرکب، با واژه‌ها یا ترانه‌ها، دری را به سوی ذات ماوراء می‌گشاید، به آن واقعیتی که شدن ندارد، بلکه هست (همان، ۷۸).

۱۱- عمل به آداب روحانی

متحقق شدن به حقیقه‌الحقایق هدف اصلی تربیت معنوی است. ثمره‌ی عمل به آداب روحانی نیل به هدف پیش‌گفته است. بر این اساس، متربی باید به آداب روحانی عمل کند. نصر در باب این روش بر این باور است که حالت عالی وصال، که هدف نهایی شخص عارف و کمال حیات بشری است، ثمره‌ی به کار بستن آدابی روحانی است که از انجام نمازهای فریضه آغاز می‌شود و با ذکر قلب و نیایش خلاق به اوج خود می‌رسد، که در آن درونی‌ترین مرکز وجود عارف به آهنگ توسل به ذکر نام الهی که خلاصه‌ی هر نیایش و دعاست، به ذکر درونی می‌پردازد (نصر، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۱۲۱).

او متحقق شدن به حقیقت را فقط از طریق اعمال معنوی امکان‌پذیر می‌داند (نصر، ۱۳۹۲: ۱۳۴) و توصیه می‌کند که باید خویشستن را وقف تدبر و ذکر، تهذیب باطنی، مراقبت وجدان و بسیاری از آداب مرسوم میان رهروان واقعی طریقت (سالکون) کرد (نصر، ۱۳۸۹: ۱۴) و شناخت معرفتی را فقط از طریق تحقق بندگی کامل ما امکان‌پذیر می‌داند (نصر، ۱۳۹۲: ۱۰۶). به باور نصر می‌توان از طریق عمل معنوی، حجاب وجود جدا افتاده از حق را کنار بزنیم تا خداوند، که در درون ما متعالی و حلولی است، بتواند بگوید "من" (همان). آداب و اعمال روحانی انواعی دارند که از قرار زیرند:

۱-۱۱- ذکر

فرد باید برای نیل به غایت تربیت معنوی، متخلق به اخلاق الهی گردد. با عمل ذکر، قلب محل تجلی مستقیم اسماء و صفات خداوند می‌گردد. بنابراین متربی باید به عمل ذکر پردازد. ذکر در متخلق شدن سالک به اخلاق الهی اهمیت والایی دارد. در این باره نصر بر آن است که قلب آئینه‌ای است که باید با ذکر جلا داده شود. براساس حدیث معروف: "هر چیزی جلا دهنده‌ای دارد، جلا دهنده‌ی قلب، ذکر است". هرگاه عمل جلا دادن انجام شود، قلب محل تجلی مستقیم

اسماء و صفات خداوند می‌شود (نصر، ۱۳۹۲ الف: ۱۳۶). از منظر نصر، ذکر همان یادآوری و نیایش و عبادت ذاتی است. برای اتحاد، انسان باید خدا را در مرکز قلب خود قرار دهد، جایی که خدا در آن مقیم است (نصر، ۱۳۹۲ الف: ۱۲۵). در دیدگاه او، ذکر یا تکرار اسمی از اسماء خداوند است یا تکرار عبارتی است که از طریق وحی تقدس یافته است (نصر، ۱۳۹۲ ب: ۲۶۰).

ابوسعید خراز گفته است: ذکر سه وجه است: ذکری است به زبان و دل از آن غافل، و این ذکر عادت بود. و ذکری است به زبان و دل حاضر، این ذکر طلب ثواب بود، و ذکری است که دل را بگرداند و زبان را گنگ کند، قدر این ذکر کس نداند جز خدای تعالی؛ (تذکره الاولیا، ۴۶۱؛ به نقل از نصر ۱۳۸۳: ۸۵). از نظر نصر، باید با همه وجود در ذکر حضور داشت تا در ورای همه محدودیت‌های وجود فردی، ذکر و ذاکر و مذکور یکی شوند (نصر، ۱۳۹۲ ب: ۲۵۹).

۲-۱۱- دعا و نیایش

نصر، نخستین عمل معنوی عرفان و تصوف را دعا و نیایش می‌داند که انسان به واسطه‌ی آن به خدا روی می‌آورد (نصر، ۱۳۸۷: ۲۶۲). به باور او، انسان از رهگذر دعا و نیایش از عرضیت زمان و مکان فراتر می‌رود و ارتباط مستقیم خود را با ذات سرمدی باز می‌یابد ... (نصر، ۱۳۹۳: ۷۴). از منظر وی، هیچ دینی نیست که نیایش را وسیله‌ای برای شکل‌دادن دیگر باره‌ی انسان تلقی نکند (نصر، ۱۳۸۵: ۵۶۷). او عمده‌ی انواع نیایش را نوعی عمل می‌داند، عملی که هر چند اغلب مرتبط با بدن از جمله زبان است، ولی از جسم فراتر می‌رود و بدن، نفس و روح را متحد می‌سازد (نصر، ۱۳۹۲ ب: ۲۳۶). از نگاه نصر، نیایش اصیل یا نیایش قلب، همان‌طور که بدن، نفس و روح را متحد می‌سازد، پیوندی نیز میان عمل، عشق و علم برقرار می‌سازد (همان، ۲۳۸).

۳-۱۱- عمل صالح مبتنی بر نیکی

به باور نصر، فعل فارغ از خودخواهی مبتنی بر نیکی، موانع را از سر راه جهان خرد انسانی جهت اتصال با منبع هر خیر که چیزی نیست مگر خیر برین یا خود ذات سرمدی برمی‌دارد. این فعل، هرچند برای یک آن، نفس را از تجربه‌ی زمان به عنوان قیدوبند می‌رهاند و آن را به آن نظام کلی سوق می‌دهد که ورای نظام زمانی و فراتر از آن است (نصر، ۱۳۹۳: ۸۳).

به باور نصر، عمل صالح که ریشه در نیکی و راستی دارد، تأثیرش کنار زدن حجاب‌ها و فراهم آوردن امکان شناخت حقیقت برای ما است، آن هم به شیوه‌ای فراتر از یک شیوه‌ی انتزاعی (نصر، ۱۳۹۲ ب: ۲۲۲). در ادامه وی بر این باور است که عمل صادقانه، به‌ویژه اعمالی چون نماز،

احسان، ایثار، و گفتار راست، به فعلیت یافتن شناخت حقیقت در نفس کمک می‌کند (همان، ۲۲۳). در بیان نصر از دیدگاه معنوی، البته مؤثرترین عمل، نماز است (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۲۲۲). او بر این باور است که تکرار پیوسته‌ی نمازها در لحظات خاص روز و شب، به طرز نظام‌مند، خواب غفلتی را که انسان در آن زندگی می‌کند، می‌زداید (نصر، ۱۳۸۷: ۲۲۱). روزه به معنای مرگ خود نفسانی انسان و تولد مجدد در پاکی و خلوص است. روزه تمرین تقوی و اخلاص است، اخلاص که از فضیلت‌های سه‌گانه‌ی اصلی معنویت نصر است. زکات متضمن سخاوت و شرافت روحانی است. حج به معنای سفر از سطح به مرکز وجود آدمی است؛ زیرا همان‌گونه که عارفان مسلمان گفته‌اند قلب انسان، کعبه‌ی روحانی است. صداقت، فضیلتی است که به مدد آن، انسان از عمق وجود خویش، به توحید معرفت می‌یابد و در حضور دائمی خدا زندگی می‌کند (همان، ۲۲۶). همچنین، تلاوت پیوسته‌ی قرآن کریم در اقتداء پیامبر (ص) موجب تقرب به خداوند می‌شود و یکی از اعمال اصلی متصوفه است (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۲۵۹).

۱۲- وارستگی^۱

از هدف‌های تربیت معنوی آراسته‌شدن به فضایل است. وارستگی فضیلتی است که فرد باید به آن آراسته گردد. بدین‌سان، فرد باید وارستگی را وجهه‌ی همت خود سازد. به باور نصر، وارستگی یک فضیلت اصلی است که قبل از پیش‌روی در مسیر طریقت، باید بدان آراسته شد. باید به خاطر حقیقت و با وارستگی کامل از نتیجه، دست به عمل برد (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۲۱۷).

۱۳- تقوا

از هدف‌های تربیت معنوی آراسته‌شدن به فضایل است. تقوی فضیلتی است که آدمی برای آن که در طریق تصوف سلوک کند باید به آن آراسته گردد. بدین‌سان، متربی باید تقوی پیشه کند. تقوا یعنی خوف و خشیت از خدا همراه با اخلاص در عمل و مراقبت (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۲۲۹). آدمی برای آن که در طریق تصوف سلوک کند باید تقوی داشته باشد. ... به لحاظ معنوی، برای نفس هیچ چیز خطرناک‌تر از این نیست که بخواهد بدون تقوا در بحر عشق الهی فرو رود و به نور الهی نورانی شود (همان، ۲۳۰). از نظر نصر کردن ریشه‌های نفس از زمین دنیا، مستلزم آن است که استغناء پیشه کنیم و چنان زندگی کنیم که خالص شویم. این بدین معنا است که در باطن، پیش از مردن کفن به تن کنیم. فضیلت مرتبط با این وارستگی همراه با خلوص را در تصوف تقوا دانسته‌اند

1- detachment

(همان، ۲۲۹).

۱۴- توبه و انابه

متحقق شدن به حقایق معنوی مستلزم تربیت نفس است. توبه و انابه انسان هبوط یافته را به عالم معنا نزدیک می‌کند و زمینه‌ساز متحقق شدن به حقایق معنوی است. از این رو، مرتبی باید توبه و انابه نماید. در مورد انسان هبوط یافته، هر سفر معنوی باید با توبه و انابه آغاز شود زیرا نفس در حالات روزمره‌اش دلبسته ظاهر شده، به عالم معنا پشت کرده و به عالم مادی ظاهری روی آورده است که کثرت، پری‌شانی، ناپایداری، فساد و مرگ از او صاف آن است (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۲۸۳). بنابراین، در سیر معنوی در راه سلوک از توبه و انابه گریز و گزیری نیست و نفس را آماده‌ی گام نهادن در مراحل بعدی می‌کند.

۱۵- مجاهده درونی

از هدف‌های میانی تربیت معنوی، تربیت نفس است. مجاهده‌ی درونی راه نائل شدن به این هدف است. بنابراین، مرتبی باید به مجاهده‌ی درونی یا جهاد با نفس بپردازد. بنا به حدیث معروف پیامبر، جهاد درونی یا جهاد اکبر را داریم که پیکار همیشگی سالکان طریقت برای اصلاح کاستی‌های نفس خویش و شایسته ساختن آن برای سکونت در گلشن حقیقت است. این برترین شکل عمل باطنی است (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۲۱۹). جهاد یا مجاهده‌ی درونی را، اگر از دید معنوی و باطنی بگیریم، می‌توان هم به منزله‌ی کلید فهم سیر معنوی و هم به منزله‌ی راه متحقق شدن به حقیقت آن ذات واحد، که در قلب رسالت اسلام مستور است، قلمداد کرد (نصر، ۱۳۸۶: ۶۲). روش‌های تربیت معنوی استنتاج شده در جدول شماره ۲ تنظیم شده‌اند.

جدول ۲- روش‌های تربیتی

روش‌های مبتنی بر اصل تربیتی		روش‌های مبتنی بر هدف تربیتی		
روش تربیتی	اصل تربیتی	انواع روش	روش تربیتی	هدف تربیتی
تذکار	شکوفاسازی داشته‌های فطری		تفکر	معرفت‌افزایی
هرمنوتیک معنوی ذکر	حجاب و غفلت‌زدایی		مطالعه کتاب‌های وحی (وحی الهی، طبیعت، انسان)	
مطالعه علوم سنتی	پیروی از سنت	ذکر	عمل به آداب روحانی	شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن
مطالعه اسطوره و نماد		دعا و نیایش		
		عمل صالح مبتنی بر نیکی		
		مراقبه		تربیت اخلاقی
		مشق نظری و عملی هنرهای سنتی		تربیت زیبایی‌شناختی
		ذکر		تخلیق به اخلاق الهی
		وارستگی		تربیت اخلاقی
		تقوی		
		توبه و انابه		تربیت نفس
		مجاهده‌ی درونی		

محتواهای تربیت معنوی

سنت، آن‌گونه که برداشت نصر از این اصطلاح است و مؤلفه‌های آن محتوای این نوع تربیت را شکل می‌دهد.

۱- سنت

فرد باید با عمل به اصل تربیتی تبعیت از سنت به شناخت حقیقه‌الحقایق و متحقق شدن به آن نائل آید. سنت شامل کتاب‌های وحی، انسان و طبیعت؛ میراث تصوف، علوم سنتی، ادبیات سنتی، هنرهای سنتی، اسطوره و نماد است. بنابراین فرد باید به یادگیری این دانش‌ها و مهارت‌ها اهتمام ورزد و به آن‌ها معرفت یافته و آن‌ها را در وجود خود پیروراند. از نظر نصر "سنت"، رسم یا عادت یا انتقال قهری افکار و مضامین از نسلی به نسل دیگر نیست، بلکه از "سنت"، مجموعه اصولی را مراد می‌کند که از عالم بالا فرود آمده‌اند و در اصل، عبارتند از یک نوع تجلی خاص ذات الهی، همراه با اطلاق و به‌کارگیری این اصول در مقاطع زمانی مختلف و در شرایط متفاوت برای یک جماعت بشری خاص. بنابراین، سنت در عین حال در حد ذات خود قدسی است (نصر، ۱۳۸۹).

(۱۱۶).

سنت مفهومی کلی است که در بطن آن دین جای دارد. در قلب دین نیز امر قدسی و در نهایت حقیقه الحقایق نهفته است. در نگاه نصر مؤلفه‌های سنت عبارتند از وحی و دین، علوم طبیعی [سنتی]، و هنرها [ی سنتی] (۱۳۸۵، ۱۵۶)، حکمت خالده، الاهیات و فلسفه (ی کهن)، عرفان [و میراث آن] و حکمت الهی (۱۳۸۵، ۱۷۹-۱۵۶) و همچنین اسطوره و نماد و آنچه که در بطن این مؤلفه‌ها وجود دارد.

۱-۱- سه کتاب وحی (وحی الهی، انسان و طبیعت)

از منظر نصر، سه کتاب پیش گفته از هم جدا ناپذیرند و وحی الهی کلید فهم دو کتاب دیگر است. او در این باب این گونه می‌نویسد که از دیدگاه اسلامی می‌توان گفت که خلقت و وحی از هم انفکاک ناپذیرند و در واقع سه وحی و ظهور وجود دارد: جهان، انسان و ادیان. اسلام هر سه را به عنوان کتاب تلقی می‌کند. نخست، کتاب جهان است که باید قرائت شده و تبیین شود. سپس کتاب درونی که در درون خود ما است. و در آخر، متون مقدس هستند که خدا از روی لطف آن‌ها را فرستاده تا انسان‌ها را در همه اعصار هدایت کنند که آن‌ها بنیادهای ادیان مختلف و کلیدهای قرائت دو کتاب دیگر یعنی آفاق و انفس‌اند (نصر، ۱۳۹۲ الف: ۸۹).

۱-۲- میراث تصوف

حدیث و سنت پیامبر اسلام (ص)، نخستین میراث تصوف است چراکه حقیقت عرفان [تصوف] با قلمرو باطنی قرآن و سنت و قدرت معنوی پیامبر اسلام آغاز می‌شود و از همین منابع در جاهای دیگر تغذیه می‌کند (نصر، ۱۳۹۲ الف: ۱۲۰).

آثار، دعاها و مناجات‌های مأثوره از پیامبر (ص)، امامان و اولیاء نیز در قالب همین محتوای پیش گفته می‌گنجد. زیرا تقریباً همه‌ی فرق صوفیه خود را به حضرت علی (ع) می‌رسانند، و بعضی از صوفیان متأخر شاگردان ائمه، مخصوصاً امام ششم، جعفر صادق (ع) و امام هشتم، علی رضا (ع) بوده‌اند. از این گذشته چند تن از امامان از خود تألیفاتی عالی از عرفان اسلامی برجای گذاشته‌اند که نهج‌البلاغه حضرت علی (ع) و صحیفه سجاده زین‌العابدین (ع) از آن میان شهرت بیش‌تر دارد (نصر، ۱۳۸۲: ۹۰). بدین‌سان، منابع پیش‌گفته و سایر آثار این بزرگان، اولیاء و عارفان محتواهای پربراری برای تربیت معنوی به شمار می‌آیند.

میراث دیگر عرفان و شاخه‌های آن یعنی عرفان نظری و عملی است. از دیدگاه نصر، هر چند

از طریق آموزش و توانایی‌های عقلی خویش می‌توان در عرفان نظری تسلط پیدا کرد، ولی تحقق کامل آن فقط از طریق سلوک [عرفان عملی] امکان‌پذیر است، نه از طریق فهم نظری منفک از تحقق معنوی (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۴۲۶). در بیان او، عرفان فقط علم به وجودشناسی یا علم وجود نمی‌پردازد بلکه درباره‌ی مابعدالطبیعه‌ای بحث می‌کند که موضوع آن مرتبه‌ی مافوق وجود در حق اعلاء است و وجود به معنای متعارف کلمه، نخستین تعیین آن است (همان، ۴۲۷). ... این علم (علم عرفان)، حاوی ژرف‌ترین نوع "دانش درباره‌ی اوضاع و احوال انسان" است که اگر اصطلاح انسان‌شناسی را به معنای سنتی و نه به معنای جدید آن در نظر بگیریم، می‌توان از آن به انسان‌شناسی تعبیر کرد (همان، ۴۲۸-۴۲۷).

۱-۳- علوم سنتی

هر چند علوم سنتی متعلق به عالم کیهانی هستند، می‌توانند به یاری روح الهی، نمادهایی گردند که از واقعیت معنوی و رای صور پرده برگیرند، نه آن‌که حجاب‌شان باشند، و به آدمی کمک کنند که با عنایت خداوند، به مقام و مرتبه‌ی "مشاهده‌ی خداوند در همه جا" نائل آید (نصر، ۱۳۹۳: ۱۹۸). نصر درباره‌ی فایده‌ی علوم سنتی در شکوفایی توانمندی‌های انسان و رفع نیازهای او و شناخت لایه‌های برتر هستی چنین می‌نویسد که والاترین فایده‌ی علوم سنتی همیشه این بوده است که به عقل و ابزارهای ادراک کمک کنند تا جهان و در حقیقت تمام مراتب وجود را، نه به عنوان واقعیت یا اعیان که به عنوان نمادها یا آئینه‌هایی ببیند که سیمای معشوق کل را که همه چیز از او نشأت گرفته و همه چیز به او باز می‌گردد، باز می‌تاباند (همان).

این علوم شامل کیهان‌شناسی، مابعدالطبیعه، علم‌النفس، ریاضیات، کیمیاگری، طب سنتی، معادشناسی، علوم چهارگانه‌ی فیثاغوری (موسیقی، حساب، هندسه، اخترشناسی سنتی) و ... است (نصر، ۱۳۹۳) که شرح و بسط آن‌ها از حوصله‌ی این مقاله خارج است و خواننده‌ی مشتاق را به اثر پیش‌گفته ارجاع می‌دهیم.

۱-۴- ادبیات سنتی

فحوای این ادبیات، تعالیمی درباره‌ی مابعدالطبیعه، ابعاد نظری و عملی عرفان و همچنین انواع عشق، معرفت، عمل صالح و فضیلت است. از دیدگاه نصر، ادبیات عرفانی و به خصوص شعر، از مهم‌ترین مرده‌ریگ‌های سنت صوفیه است (نصر، ۱۳۹۲: ب: ۳۰۴). او در میان انواع ادبی بیش‌تر بر شعر، رساله‌های مبسوط، داستان‌های رمزی، تفاسیر باطنی بر قرآن و حدیث، نامه‌های مثنوی،

گفته‌های ساده در باب عرفان و زندگی‌نامه‌های استادان طریقت، عارفان و شاعران سنتی تأکید دارد (همان، ۳۰۰).

۱-۵- هنرهای سنتی

هنر سنتی محملی برای یک شهود تعقلی و یک پیام ذوقی است که هم از فرد هنرمند و هم از روان جمعی ملتی که هنرمند متعلق به آن است، فراتر می‌رود (نصر، ۱۳۸۵: ۵۰۲). نصر هنر را بستر مناسبی برای گسترش معنویت می‌داند. ... او چون دیگر سنت‌گرایان بر این باور است که "هنر بر علمی به عالم هستی مبتنی است که ماهیت قدسی و باطنی دارد و به نوبه‌ی خود محملی است برای انتقال معرفتی با یک سرشت قدسی" (نصر: ۱۳۸۵: ۴۹۴).

خوشنویسی سرچشمه‌ی هنرهای تجسمی است (نصر، ۱۳۸۹: ۲۷). او در باب خوشنویسی اسلامی این‌گونه می‌نویسد که خوشنویسی اسلامی تجسم بصری تبلور حقایق معنوی است که در بطن وحی اسلامی جا دارد. طبق یک گفته‌ی قدیمی اسلامی "خوشنویسی" هندسه‌ی روح است. هنر مقدس خوشنویسی به انسان کمک می‌کند تا از حجاب وجود مادی بگذرد، تا بتواند به آن برکتی که در کلمه الله نهفته است دسترسی یابد و از جام واقعیت جهان معنوی قطره‌ای بچشد (همان، ۲۸). هنر تذهیب قرآنی سیلان جان به سوی پروردگار را "متبلور" می‌کند و خود به تجدید و احیای جان، که از حضور مقدس کلمه الله ناشی می‌شود، مدد می‌رساند (نصر، ۱۳۸۹: ۳۸).

هنر معماری تصادفی نیست بلکه همواره بازتاباننده‌ی فلسفه‌ی مکان، حرکت، حیات، حضور و نور است و بر روح آدمی تأثیر می‌گذارد (نصر، ۱۳۸۹ الف: ۹۸). در بیان نصر، فضاهای سنتی حال و هوای معنوی را منتقل می‌کند و نمادی در خود دارد که با او از ژرفا سخن می‌گویند و در آن جاست که حس صلح و آرامش به او دست می‌دهد (همان، ۹۹). از میان فضاهای معماری سنتی باید به مسجد اشاره کرد. مسجد نوعی تعیین بخشی حقیقت مطلق است. بلوری است که نور روح مطلق را پرتوافکن می‌سازد. آرمان معنوی اسلام این است که روح مسلمان، همانند مسجد، مبدل به بلوری شود که نور الهی را باز می‌تابد (نصر، ۱۳۸۹: ۳۰۶). از نگاه او، اصلاً فضای معماری اسلامی با نور تعریف می‌شود (نصر، ۱۳۸۹: ۷۸). و این یادآور آیه‌ی "الله نور السموات و الارض ..."

۱- خدا نور آسمان‌ها و زمین است. داستان نورش همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی هست، و چراغ در آبگینه‌ای هست؛ آبگینه گویی ستاره‌ای درخشان است؛ [چراغ] از درخت مبارک زیتون-که نه شرقی است و نه غربی-افروخته شود. نزدیک است که روغنش، با آن‌که آتشی به آن رسیده است، روشنی دهد، نور در نور است؛ خداوند به نور خویش هر که خواهد هدایت کند، و خداوند برای مردم این مثل‌ها را می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست (سوره نور: آیه ۳۵).

۱- خدا نور آسمان‌ها و زمین است. داستان نورش همچون چراغ‌دانی است که در آن چراغی هست، و چراغ در آبگینه‌ای هست؛ آبگینه گویی ستاره‌ای درخشان است؛ [چراغ] از درخت مبارک زیتون-که نه شرقی است و نه غربی-افروخته شود. نزدیک

است. مناره هم که یکی از ارکان معماری مسجدهای سنتی است به معنای محل نور است. **نوای تلاوت قرآن**، به تمام معنا هنر قدسی اسلام است. در این هنر مقامات موسیقی با وحی الهی درهم آمیخته‌اند و انسان جویای معنویت را در برابر زیبایی‌های شگرفی قرار می‌دهد و او را به شگفتی و حیرت وامی‌دارد. از نظر نصر، تلاوت قرآن در آن واحد هم موسیقی و هم شعر است، ... (نصر، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

در باب اهمیت موسیقی برای انسان به مثابه‌ی یک کل و تأثیر آن بر جسم، نفس و روح انسان نصر بر این باور است که در این زندان تن، روح از طریق موسیقی سنتی بار دیگر یادآور سرزمین اصلی خود می‌شود. حتی آن طلسمی که روح را به تن پیوند می‌دهد از این راه شکسته می‌شود و حتی برای لحظاتی چند هم شده، مرغ روح اجازه می‌یابد تا بال‌های خود را گسترده ساخته و در ساحت نامتناهی عالم معنی به پرواز درآید و از وجد و سروری که ذاتی این عالم است، بهره‌مند شود (نصر، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

سماع صوفیانه یکی دیگر از هنرهای سنتی است. هدف این موسیقی بردن شنوندگان به باطن است. ... موسیقی صوفیانه چون نردبانی است که نفس را به خدا مرتبط می‌سازد. ... کاری که سماع می‌کند این است که عشق و اشتیاق به خدا را شدت می‌بخشد و در عین حال نفس را در سفرش برای رسیدن به روح پیش می‌برد (نصر، ۱۳۹۲: ۲۶۳-۲۶۲). کسی از مرشدان طریقت در جایی گفته است تأثیر شنیدن یک ساعت سماع بر نفس، چنانچه نفس آماده‌ی نیو شنیدن پیامش باشد، برابر هزار روز عمل معنوی (یا سلوک) است (همان، ۳۰۶).

رقص مقدس همانند موسیقی محملی مستقیم برای متحقق شدن به وحدت است. رقص مقدس، انسان را در نقطه‌ی تلاقی زمان و مکان، در آن اکنون سرمدی و مرکز لایتغیر که کانون حضور الهی است، با ذات الهی متحد می‌سازد (نصر، ۱۳۸۵: ۵۲۴). او از رقص‌های شیوا، رقص‌های معبدی بالی، رقص‌های کیهانی بومیان آمریکا و آفریقاییان بومی و در بالاترین مرتبه‌ی رقص‌های باطنی مرتبط با آداب سلوکی که منتهی به وحدت می‌شوند، نام می‌برد (همان). رقص، روح را در جسم "فعلیت می‌بخشد"، بدن را معبد روح می‌سازد و به عنصری مثبت در آن کیمیای معنوی بدل می‌سازد که بعضی از استادان آن را "روحانیت بخشیدن به جسم و جسمانیت بخشیدن به روح" توصیف کرده‌اند (نصر، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

۱-۶- اسطوره

شرح این محتوا در روش مطالعه‌ی اسطوره‌ها بیان شد.

۱-۷- نماد

زبان رسمی که برای بیان "معرفت" قدسی و در واقع تقریباً کل حوزه تعلیمات سنتی به کار می‌رود زبان "نمادگرایی" است. "معرفت قدسی" در کلمات انسانی، در چشم‌انداز نقاشی‌ها، زدن طبل‌ها و دیگر ابزارهای رسمی‌ای که انتقال‌دهنده‌ی معنی هستند، قابل بیان است (نصر، ۱۳۸۰: ۱۲۹).

در نگاه نصر، طریق معنوی یا طریقت که بعد باطنی اسلام است، مبتنی بر نمادپردازی راه یا سفر است، اهمیت نمادین بسیار دارد (نصر، ۱۳۸۷: ۱۹۱). وی همچنین ابراز می‌دارد که بدون آگاهی از زبان نمادگرایی، حصول فهم کامل علوم سنتی ممکن نیست، علومی که از ظواهر برای برملا ساختن واقعیات ذاتی‌ای که در عین حال هم محبوب می‌دارند و هم مکشوف می‌سازند (نصر، ۱۳۹۳: ۱۷۴). بدین‌سان، بر سالک طریقت لازم است که به مطالعه‌ی نمادها برای پرده برداشتن از ظواهر و پی بردن به معنای نهاده شده در ژرفای آن بپردازد.

محتوای تربیت معنوی در جدول ۳ زیر تنظیم گردیده است.

جدول ۳- محتوای تربیت معنوی

انواع محتوا		محتوای تربیتی	اصل تربیتی
وحی الهی، انسان، طبیعت	کتاب‌های وحی	مؤلفه‌های سنت	پیروی از سنت
آثار ماثوره، دعاها و مناجات‌های پیامبر، امامان و عرفا	میراث تصوف		
عرفان نظری و عملی	عرفان		
شعر، رساله‌های مبسوط، داستان‌های رمزی، تفاسیر باطنی بر قرآن و حدیث، نامه‌های منشور، گفته‌های ساده در باب عرفان، زندگی‌نامه استادان، عارفان و شاعران	ادبیات سنتی		
کیهان‌شناسی، مابعدالطبیعه، ریاضیات، شیمی‌گری، طب سنتی، معادشناسی، علوم چهارگانه فیثاغوری (موسیقی، حساب، هندسه، اخترشناسی سنتی)	علوم سنتی		
خوشنویسی، تذهیب، معماری، نوای تلاوت قرآن، موسیقی، سماع صوفیانه، رقص مقدس (شیوا، رقص معبدی بالی، رقص بومیان آمریکا و آفریقا	هنرهای سنتی		
	اسطوره		
	نماد		

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس این پژوهش، اصول تربیت معنوی در اندیشه‌ی فلسفی-عرفانی نصر عبارتند از پیروی از سنت که متضمن عمل به آداب شریعت و طریقت نیز می‌باشد چراکه در بطن سنت دین قرار گرفته است و این دو از ساحت‌های دین به‌شمار می‌آیند؛ تبعیت از استاد که خود متضمن ولایت است زیرا استاد معنوی باید از این نیرو برخوردار باشد تا بتواند سالک را هدایت کند و این اصل و نیروی نهفته‌ی در آن شاخصی برای تفکیک معنویت اصیل از شبه‌عرفان‌ها، عرفان‌ناهما و معنویت‌های نوین است. در این جا نقدی که به این مطلب وارد است آن است که نصر معیاری بین‌الادهانی برای تشخیص نیروی ولایت در استاد راه ارائه نمی‌کند؛ شکوفاسازی داشته‌های فطری، حجاب و غفلت‌زدایی، ثبات قدم، تفاوت‌های فردی، پیوند و کنش متقابل میان معرفت، محبت و عمل صالح؛ حضور اجتماعی فعال و کثرت طریقت‌ها که متضمن تساهل و تسامح در امر تربیت است.

روش‌های تربیت معنوی شامل تفکر و تأمل معنوی، تذکار، درون‌نگری، مراقبه، هرمنوتیک معنوی، مطالعه سه کتاب وحی، انسان و طبیعت، مطالعه علوم سستی، مطالعه‌ی اسطوره‌ها و نمادها، مشق نظری و عملی هنرهای سستی، عمل به آداب روحانی، عمل‌های صالح مبتنی بر نیکی، تقوا، توبه و مجاهده‌ی درونی می‌گردند. روش عمل به آداب روحانی خود شامل ذکر، دعا و نیایش، نماز، تلاوت قرآن، روزه، زکات، حج و صداقت می‌باشد.

محتوای تربیت معنوی نیز شامل سنت و مؤلفه‌های آن یعنی وحی‌های الهی، میراث تصوف، علوم سستی یعنی کیهان‌شناسی، مابعدالطبیعه، حکمت خالده، علم‌النفس، ریاضیات، کیمیاگری، طب سستی و علوم چهارگانه‌ی فیثاغوری (موسیقی، حساب، هندسه و اخترشناسی) و ...؛ ادبیات سستی، هنرهای سستی مانند خوشنویسی، تذهیب، نوای تلاوت قرآن، معماری، موسیقی، رقص مقدس و سماع صوفیانه؛ اسطوره و نماد است.

از مزایای رویکرد نصر به تربیت معنوی آن است که به انسان به‌مثابه‌ی یک کل می‌نگرد و تربیت همه‌ی ساحت‌های وجودی او یعنی بدن، نفس و روح را در دستور کار خود دارد. در دیدگاه او پرورش تمام نیروهای باطنی انسان یعنی خرد، احساس و اراده در جهت زندگی معنوی و تحقق معنوی ضرورت دارد. عناصر اساسی معنویت نصر تأکید بر جوهره و بعد باطنی دین است. در این‌جا معنویت به شریعت فروگامسته نمی‌شود و به قشری‌نگری و سطحی‌نگری نمی‌انجامد. در

رویکرد او، توجه به جنبه‌های عاطفی وجود بشر، عشق، اخلاق و زیبایی‌شناسی، هنرهای سنتی بسیار پررنگ است، عناصر بنیادینی که در نظام تعلیم و تربیت ایران در عمل به فراموشی سپرده شده‌اند. باور به وحدت متعالی ادیان و کثرت‌گرایی دینی از دیگر برجستگی‌های دیدگاه اوست که نویدبخش زندگی مسالمت‌آمیز و توأم با بردباری، تساهل و تسامح میان پیروان ادیان و طریقت‌های برآمده از آنها، صلح و آرامش و پرهیز از تمامیت‌خواهی، بنیادگرایی، تعصب، جمود و تحجر است. با توجه به مطالب پیش‌گفته، رویکرد نصر به تربیت معنوی متضمن تعلیم و تربیت کثرت‌گرا نیز می‌باشد.

با امعان نظر به آنچه تاکنون بیان شد، جای این پرسش است که آیا این مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی تربیت معنوی مبتنی بر سنت‌گرایی نصر در نهاد رسمی آموزش و پرورش عملی است؟ پاسخ نگارندگان آن است که این رویکرد به تربیت معنوی به طور کامل در نظام آموزش و پرورش عملی نیست چراکه در مراحل پیشرفته این نوع تربیت بسیار خاص خواهد بود و بیش‌تر به امری فردی تبدیل می‌گردد. همچنین شمار استادان طریقت بسیار اندک است تا بتوانند نهاد به این گستردگی را پوشش دهند. همچنین هر استادی شایسته‌ی هر مرتبی نیست و هر مرتبی استاد خاص خود را می‌طلبد. افزون‌بر آن، این نوع تربیت همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، متضمن پذیرش تعلیم و تربیت کثرت‌گراست، چرا که از کثرت سنت‌ها سخن می‌گوید و به کثرت‌گرایی دینی و در نتیجه کثرت طریقت‌ها پایبند است که در اغلب نظام‌های آموزش و پرورش به‌ویژه نظام ایران نهادینه نشده است. این نهاد می‌تواند با پرورش و جذب مربیان لایق، شایق، دانش‌آموخته و فرهیخته و ایجاد شرایط لازم، بستر و آمادگی لازم را در دوره‌های پایینی و در راستای زمینه و بستر سازی نیل به برخی از هدف‌های میانی مانند تربیت بدن، نفس، تربیت زیبایی‌شناختی، معرفت‌افزایی و عشق‌پروری برای آنها که دارای صلاحیت هستند و با گنجاندن برخی از محتواها در دروس مربوطه فراهم کند. این برنامه در دوره‌های بالاتر به ویژه در رشته‌های معارف اسلامی و برخی رشته‌های علوم انسانی قابلیت کاربردی بیش‌تری دارد و همچنین در آموزش عالی در رشته‌های علوم انسانی این برنامه از قابلیت بیش‌تری برخوردار است به دلیل آن‌که فراگیران قوای خرد، احساس و اراده‌ی آنان رشد یافته‌تر است و از صلاحیت بیش‌تری بهره‌مندند.

منابع

الف. فارسی

- آملی، سیدحیدر. (۱۳۶۸). *جامع‌الاسرار و منبع‌الانوار*، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو و حسینی، افضل‌السادات. (۱۳۹۱). بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبایی، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی*، ۵(۱۵)، ۸۹-۱۱۲.
- باغگلی، حسین. (۱۳۹۲). *مطالعه انتقادی "تربیت معنوی" در دنیای معاصر: مقایسه رویکردهای دینی و نوپدید در عرصه تربیت*، رساله دکتری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۶). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه.
- باقری، خسرو؛ توسلی، طیبه و سجادی، نرگس. (۱۳۸۹). *رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دین‌پرست، منوچهر. (۱۳۸۳). *سید حسین نصر، دل‌باخته‌ی معنویت*. تهران: انتشارات کویر.
- سجادی، سیدجعفر. (۱۳۸۹). *فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی*، تهران: طهوری.
- سروش، عبدالکریم. (۱۳۷۸). *اصناف دین‌ورزی*، کیان، ۹(۵۰)، ۲۲-۲۶.
- شمشیری، بابک؛ رحیمیان، سعید و تجلی‌اردکانی، حسین‌علی. (بی تا). *واکاوی مفهوم، مبانی و هدف‌های تربیت معنوی در اندیشه‌ی سیدحسین نصر*. بی‌جا.
- قاسم‌پوردهاقانی، علی و نصرافهانی، احمدرضا. (۱۳۹۲). *رویکرد معنوی و برنامه‌ریزی درسی: پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*. ۱۹(۱۳)، ۹۲-۷۱.
- کیانی، معصومه؛ مهرمحمدی، محمود؛ صادق‌زاده‌قمصری، علی‌رضا؛ نودری، محمود و باقری، خسرو. (۱۳۹۴). *مفهوم‌شناسی معنویت از دیدگاه اندیشمندان تربیتی غرب و مسلمان، اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ۷(۲)، ۹۷-۱۱۸.
- گونتک، جرال‌د. ال. (۱۳۸۶). *مکاتب فلسفی و آراء تربیتی*، مترجم: محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: سمت.
- لینگز، مارتین. (۱۳۷۸). *عارفی از الجزایر*، مترجم: نصراله پورجوادی، تهران: هرمس.
- ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۰). *راهی به رهایی: جستارهایی در عقلانیت و معنویت*، تهران: نشر نگاه معاصر.

- ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۰). معنویت و عقلانیت، آگزیستانسیالیسم، سکولاریزم، قم: کتابخانه تخصصی دانشگاه ادیان و مذاهب.
- میرشاه‌جعفری، ابراهیم؛ یارمحمدیان، محمدحسین؛ فروغی‌ابری، احمدعلی و اوجی‌نژاد، احمدرضا. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی رویکردهای تربیت معنوی با توجه به مؤلفه‌های برنامه درسی در چند کشور جهان، ره‌یافتی نو در مدیریت آموزشی، ۳(۱)، ۸۳-۱۰۲.
- میلر، جان پی. (۱۳۸۰). آموزش و پرورش و روح، مترجم: نادر قلی قورچیان، تهران: نشر فراشناختی اندیشه.
- نجفی، محمد. (۱۳۸۶). الگوی نظری برنامه درسی معنوی در تربیت اسلامی با تأکید بر رویکرد تربیتی محبت‌اهل بیت، رساله دکتری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۷). آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام، مترجم: شهاب‌الدین عباسی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سید حسین. (۱۳۸۳). آموزه‌های صوفیان از دیروز تا امروز، مترجمان: حسین حیدری؛ محمدهادی امینی، تهران: قصیده‌سرا.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۶). اسلام سنتی در دنیای متجدد، مترجم: محمد صالحی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۹). اسلام و تنگناهای انسان متجدد، مترجم: انشاءاله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۹۲ الف). انسان سنتی و مدرن در اندیشه سیدحسین نصر، مترجم: مهدی نجفی‌افرا، تهران: جامی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۳). جوان مسلمان و دنیای متجدد، مترجم: مرتضی اسعدی، تهران: طرح نو.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۹ الف). در جست‌وجوی امر قدسی: گفت‌وگوی رامین جهانگللو با سیدحسین نصر، مترجم: سیدمصطفی شهرآیینی، تهران: نشر نی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۲). سه حکیم مسلمان، مترجم: احمد آرام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۹۲ ب). گلشن حقیقت، مترجم: انشاءاله رحمتی، تهران: سوفیا.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۰). معرفت و امر قدسی، مترجم: فرزاد حاجی میرزایی، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۵). معرفت و معنویت، مترجم: انشاءاله رحمتی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.

نصر، سیدحسین. (۱۳۹۳). نیاز به علم مقدس، مترجم: حسن میاننداری، قم: کتاب طه.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۹ب). هنر و معنویت اسلامی، مترجم: رحیم قاسمیان، تهران: حکمت.

ب. انگلیسی

Bigger, S. (2008). Secular Spiritual Education: *Educational Features*, 1(1), 60-70.

Bigger, S. (2003). Spirituality as a Process Within the School Curriculum. *A Journal of New Thinking for Education*, 9(1), 12-18.

Carr, D. (1995). Rival Conceptions of Spiritual Education. *Journal of Philosophy of Education*, 30(1), 158-178.

Duff, L. (2003). Spiritual Development and Education: A Contemplative View. *International Journal of Children`s Spirituality*, 8(3), 227-237.

Hand, M. (2003). the Meaning of Spiritual Education. *Oxford Review of Education*, 29(3), 399-401.

Wright, A. (2000). *Spirituality and Education*. London and New York: Routledge Falmer.

A Study of Some Components of Spiritual Education Curriculum Based on Seyyed Hosein Nasr`s Traditionalism

Babak Shamshiri¹ Saeed Rahimian² Hosein Ali Tajali Ardekani³

Abstract

This article aims to probe some components of spiritual education curriculum based on Seyyed Hosein Nasr`s traditionalism. Those components are spiritual education principles, methods and contents. This study is a philosophical one and it was done by applying Frankena`s deductive method. Findings shows that some spiritual education principles in Nasr`s thoughts are obeying the tradition, following the spiritual master, actualizing human innate nature, removing the veils and negligence, active social presence, and plurality of the spiritual ways. Some concluded educational methods are contemplative thinking, spiritual contemplation, meditation, spiritual hermeneutics, studying traditional sciences, theoretical and practical practice of traditional arts, acting based on the spiritual rites and rituals, righteous actions based on goodness, piety and repentance. The aforementioned education contents are tradition and its components. Nasr`s approach pays much attention to aesthetics, morality, affective domain, love and the essence of religion and implies pluralism in education as well.

Key words: curriculum components, spirituality, spiritual education, traditionalism, Seyyed Hosein Nasr.

1-Associate professor of history and philosophy of education, Shiraz University, Iran.
Email: bshamshiri@rose.shirazu.ac.ir

۲- Professor of Islamic theology and philosophy, Shiraz

University, Iran. Email: Sd.rahimain@gmail.com

۳- (Corresponding author) Ph.D. candidate of history and philosophy of education, Shiraz University, Iran.
Email: h.tajali1357@gmail.com